

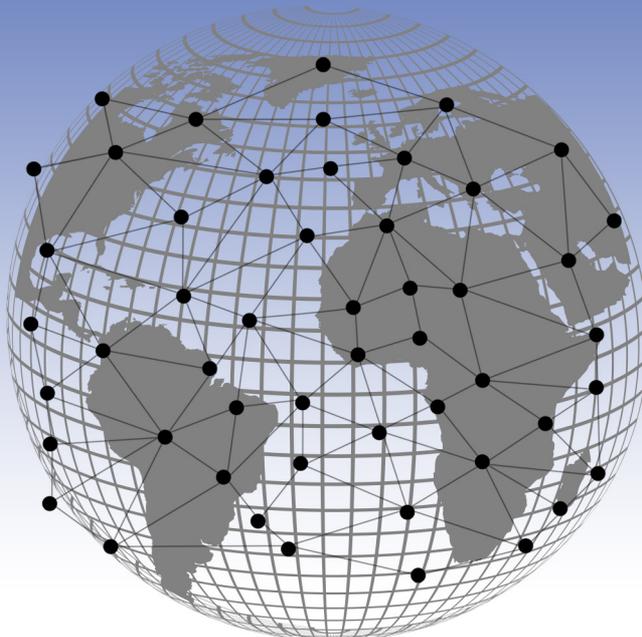


مرکز پژوهش‌های اتاق ایران

## پایش تحولات تجارت جهانی

شماره ۱۲۲

۲۰۲۵ به روایت داده‌ها؛ سال تغییر قواعد تجارت و اقتصاد جهانی  
چشم‌انداز ژئواکونومیک و ژئوپولوتیک ۲۰۲۶ در جهانی پرتنش و ناپایدار  
بازارهای دارایی در ۲۰۲۶؛ هشدارها درباره سرخوشی غیرمنطقی  
آینده سلطه دلار در عصر پول دیجیتال و زیرساخت‌های مالی نوین



دی ۱۴۰۴



مرکز پژوهش‌های اتاق ایران

## پایش تحولات تجارت جهانی

گزارش شماره صد و بیست و دو

مدیریت دیپلماسی اقتصادی و آینده‌پژوهی

تهیه و تدوین: سید حسین طباطبایی نسب

همکاران این شماره: فرزاد کلاته، حسین رحمانی زاده

تاریخ انتشار: دی ۱۴۰۴

واژگان کلیدی: ۲۰۲۶، بازار دارایی، دلار، اقتصاد جهانی، چین، ایران، آمریکا، ارز

دیجیتال، هوش مصنوعی

شناسه گزارش: RC-1404-MEF-E2-OR-1157

نشانی: تهران، خیابان طالقانی، نبش خیابان شهید موسوی (فرصت)، پلاک ۱۷۵

مرکز پژوهش‌ها در شبکه‌های اجتماعی:

Instagram: @rc.iccima.ir

Telegram: @rc\_iccima

Twitter: @rc\_iccima



## فهرست مطالب

۵	۲۰۲۵ به روایت اعداد و ارقام: آنچه در اقتصاد و تجارت گذشت
۱۴	چشم‌انداز ژئواکونومیک و ژئوپولیتیک ۲۰۲۶
۱۹	۲۰۲۶ و پنج‌رشد ساختاری در مسیر گذار جهانی و بازآرایی نظم نوین اقتصادی
۲۳	بازارهای دارایی در ۲۰۲۶ و معمای سرخوشی غیرمنطقی
۲۷	آینده سلطه دلار در عصر پول دیجیتال: از دارایی‌های لنگری تا زیرساخت‌های نوین
۳۲	گزارش: چرخش خاورمیانه به آسیا؛ از تغییر مسیر تجارت تا بازتعریف قدرت
۳۷	کوتاه از جهان



## ۲۰۲۵ به روایت اعداد و ارقام: آنچه در اقتصاد و تجارت گذشت

### سالی که قواعد بازی تغییر کرد

سال ۲۰۲۵ در تاریخ اقتصاد سیاسی جهان به عنوان مقطعی ثبت خواهد شد که در آن، الگوهای سنتی جهانی سازی جای خود را به یک «دیپلماسی اقتصادی معاملاتی» و پراکندگی ساختاری دادند. این سال تنها با اعداد و ارقام توصیف نمی‌شود، بلکه با تغییر جهت‌های بنیادین در سیاست‌های کلان قدرت‌های بزرگ شناخته می‌شود. در حالی که پیش‌بینی‌های اولیه بر ثبات پس از بحران‌های ابتدای دهه متمرکز بود، واقعیت‌های سال ۲۰۲۵ نشان داد که جهان وارد عصر جدیدی از حمایت‌گرایی شده است؛ دورانی که در آن بزرگترین اقتصاد جهان، نرخ تعرفه‌های خود را به سطحی رساند که از سال ۱۹۳۵ تاکنون بی‌سابقه بوده است. این جهش تعرفه‌ای، نه تنها زنجیره‌های تأمین را دستخوش تغییر کرد، بلکه هزینه زندگی را برای خانوارهای متوسط به شدت افزایش داد و مفهوم «تجارت آزاد» را به «تجارت مشروط» تغییر داد.

در این میان، شکاف میان داده‌های رسمی و واقعیت‌های میدانی، به ویژه در مورد قدرت‌های نوظهور مانند چین، بیش از هر زمان دیگری خودنمایی کرد. در حالی که آمارهای رسمی از رشد پایدار حکایت داشتند، شاخص‌های جایگزین نشان‌دهنده یک بحران ساختاری در تقاضای مصرف‌کننده و مازاد ظرفیت صنعتی بودند که بازارهای جهانی را با سیل کالاهای ارزان‌قیمت مواجه کرد. همزمان، عرصه مالی شاهد انقلابی بی‌صدا اما عمیق بود؛ ارزهای دیجیتال و استیبل‌کوین‌ها از حاشیه به متن اقتصاد جهانی حرکت کردند و حجم تراکنش‌های آن‌ها به ارقامی رسید که سیستم‌های بانکی سنتی را به چالش کشید.

در سطح ژئوپلیتیک، استفاده از ابزارهای اقتصادی به عنوان سلاح به اوج خود رسید. از سهم‌های طلایی دولت‌ها در صنایع استراتژیک گرفته تا مکانیسم‌های سخت‌گیرانه غربالگری سرمایه‌گذاری، همگی نشان‌دهنده این واقعیت بودند که امنیت ملی اکنون بیش از هر زمان دیگری با جریان سرمایه و تکنولوژی گره خورده است. در این گزارش، به بررسی ابعاد مختلف این تحولات، از جنگ‌های تعرفه‌ای و بحران بدهی‌های عمومی تا ظهور زیرساخت‌های مالی جایگزین و جایگاه بازیگران منطقه‌ای از جمله ایران در این نظم نوین خواهیم پرداخت. سال ۲۰۲۵ سالی بود که در آن اقتصاد جهانی از



یکپارچگی به سمت بلوک‌بندی‌های استراتژیک حرکت کرد و قواعد قدیمی تجارت بین‌الملل در زیر بار فشار رقابت‌های ژئوپلیتیک بازتعریف شدند.

## عصر جدید حمایت‌گرایی و بازگشت به تعرفه‌های قرن بیستمی

یکی از شاخص‌ترین ویژگی‌های سال ۲۰۲۵، بازگشت ایالات متحده به سیاست‌های انقباضی تجاری شدید بود. نرخ موثر تعرفه‌ها در این کشور به ۱۶.۸ درصد رسید که بالاترین میزان در یک قرن اخیر محسوب می‌شود. این تغییر سیاست، که با عنوان «روز آزادی»<sup>۱</sup> آغاز شد، ضربه مستقیمی به قدرت خرید مصرف‌کنندگان وارد کرد، به طوری که برآوردهای اقتصادی نشان‌دهنده از دست رفتن متوسط ۱۷۰۰ دلار از درآمد هر خانوار آمریکایی به دلیل انتقال هزینه‌های تعرفه به قیمت نهایی کالاهاست. این رویکرد معاملاتی، منجر به شکل‌گیری الگوهای جدیدی در تجارت دوجانبه شد. مکزیک با عبور از مرز ۸۴۰ میلیارد دلار تجارت دوجانبه با ایالات متحده، جایگاه خود را به عنوان بزرگترین شریک تجاری این کشور تثبیت کرد. نکته قابل توجه در این روند، تعلیق موقت تعرفه‌های متقابل تنها هفت روز پس از اعلام آن‌ها بود که نشان‌دهنده استفاده از تعرفه به عنوان یک ابزار فشار در مذاکرات برای کسب امتیازات سیاسی و اقتصادی است. این مذاکرات به نتایج متفاوتی منجر شد؛ از موفقیت‌های نسبی با ژاپن و کره جنوبی گرفته تا بن‌بست با چین بر سر مواد معدنی حیاتی.

## ژئوپلیتیک انرژی و مداخله‌گرایی دولتی

در سال ۲۰۲۵، مرز میان بخش خصوصی و دولتی در صنایع استراتژیک کمرنگ‌تر شد. دولت ایالات متحده با اتخاذ رویکردی نوین در امنیت اقتصادی، اقدام به خریداری سهام در شرکت‌های کلیدی کرد که بارزترین نمونه آن تصاحب «سهام طلایی» در شرکت فولاد آمریکا برای جلوگیری از تملک آن توسط نایبون استیل ژاپن بود. این روند تنها به صنعت فولاد محدود نماند و تا پایان سال، دولت در شش شرکت دیگر نیز سهام مالکانه به دست آورد.

در حوزه بین‌الملل، اتحادهای اقتصادی حول محور انرژی بازتعریف شدند. توافقات دوجانبه ایالات

متحده با شرکای گروه هفت به جز کانادا، نشان‌دهنده یکپارچگی منافع اقتصادی و ژئوپلیتیک در برابر روسیه و چین بود. به ویژه توافق با اتحادیه اروپا و ژاپن که شامل تعهدات گسترده برای خرید گاز طبیعی مایع تا سال ۲۰۳۰ است، امنیت انرژی را به عنوان ستون اصلی اتحاد‌های نظامی و سیاسی تثبیت کرد. این توافقات فراتر از چارچوب‌های ساده تجاری، تلاشی هماهنگ برای تدوین قوانین جدید در حوزه‌های دیجیتال، موانع نظارتی و مواد معدنی استراتژیک بودند.

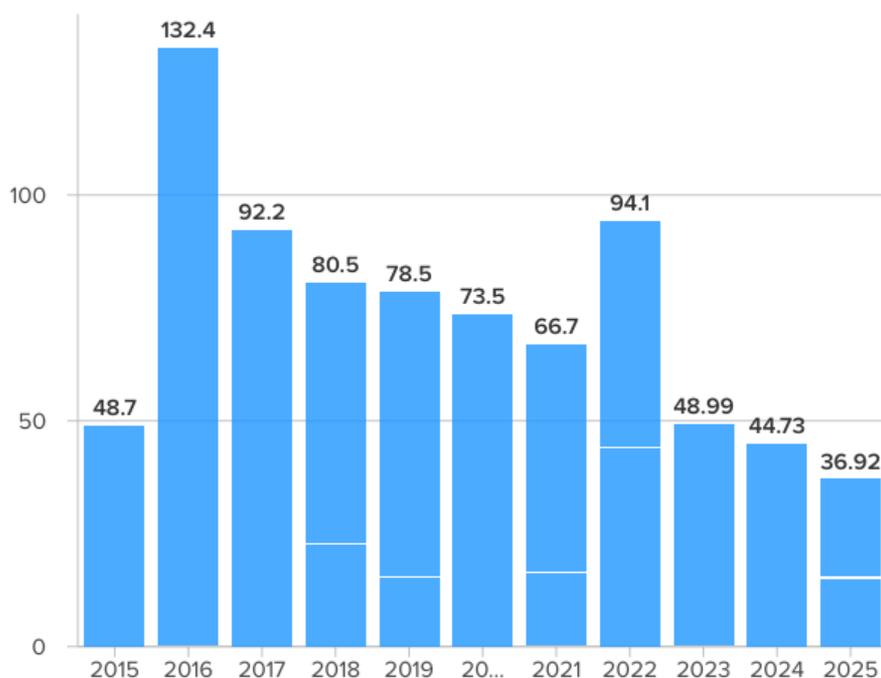
### بحران بدهی و چالش‌های مالی در بازارهای نوظهور

ثبات مالی جهانی در سال ۲۰۲۵ تحت فشار بدهی‌های عمومی قرار داشت. نسبت بدهی دولت‌ها به تولید ناخالص داخلی در سطح جهان به ۹۴.۷ درصد رسید. در حوزه یورو، این نسبت به ۸۸.۲ درصد افزایش یافت که عمدتاً ناشی از نرخ‌های بهره بالا و محدودیت‌های مالی بود. این وضعیت، ریسک‌های جدی برای ثبات مالی منطقه ایجاد کرده است، به ویژه زمانی که با مبانی اقتصاد کلان متضاد در کشورهای مختلف عضو این اتحادیه مقایسه می‌شود.

وضعیت در کشورهای کم‌درآمد و بازارهای نوظهور به مراتب نگران‌کننده‌تر بود. کمتر از ۱۰ درصد از این اقتصادها دارای رتبه اعتباری سرمایه‌گذاری هستند و بسیاری از کشورهای آفریقایی اساساً هیچ رتبه‌بندی اعتباری ندارند. این فقدان اعتبار باعث شده است که هزینه‌ی استقراض برای این کشورها ۹ برابر بیشتر از کشورهای توسعه‌یافته باشد. در این میان، صندوق بین‌المللی پول با تصویب ۳۷ میلیارد دلار وام جدید، سعی در مدیریت بحران داشت که سهم آرژانتین به تنهایی ۶۰ درصد از این اعتبارات را به خود اختصاص داد. با این حال، کاهش ۲۶ درصدی کمک‌های توسعه‌ای رسمی در دو سال اخیر، فشار مضاعفی بر این اقتصادها وارد کرده است.

## Annual value of IMF arrangements is declining

Value of approved IMF arrangements by year (USD)



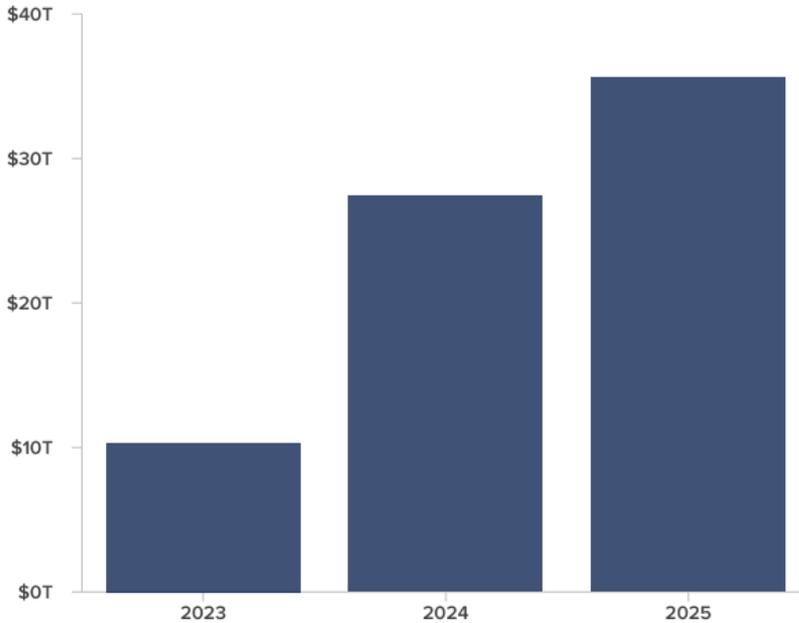
Source: [International Monetary Fund](#) • SDR valued at USD 1.42 as of December 1, 2025.

### ظهور زیرساخت‌های مالی جایگزین و نفوذ دیجیتال

سال ۲۰۲۵ شاهد جهش خیره‌کننده در استفاده از ابزارهای مالی دیجیتال بود. حجم تراکنش‌های استیبل‌کوین‌ها به رقم بی‌سابقه ۳۵ تریلیون دلار رسید و ارزش بازار آن‌ها از ۳۰۰ میلیارد دلار فراتر رفت. این دارایی‌ها به ویژه در مناطقی مانند آفریقای زیرصحرای، که شاهد رشد ۵۲ درصدی فعالیت‌های بلاک‌چینی بود، به ابزاری حیاتی برای حفظ ارزش دارایی‌ها و ارسال حواله‌های ارزی تبدیل شدند. حجم حواله‌های ارزی کارگران مهاجر به ۶۹۰ میلیارد دلار رسید، هرچند هزینه‌های بالای انتقال و وضع مالیات‌های جدید (مانند مالیات ۱ درصدی در آمریکا) چالش‌های جدیدی ایجاد کرد.

## Stablecoin transfer volume

USD (trillion)



Source: RWA.XYZ

در حوزه کلان، چین با توسعه پلتفرم mBridge - یک سیستم پرداخت عمده‌فروشی مبتنی بر بلاک‌چین - گام بلندی برای دور زدن سیستم‌های مالی غربی برداشت. پیوستن کشورهای مانند عربستان سعودی و امارات متحده عربی به این پروژه و ابراز تمایل روسیه برای استفاده از آن به عنوان زیربنای ارز احتمالی بریکس، باعث خروج نهادهای بین‌المللی مانند بانک تسویه حساب‌های بین‌المللی از این پروژه به دلیل نگرانی‌های امنیتی شد. این تحول نشان‌دهنده آغاز پایان هژمونی مطلق سیستم‌های پرداخت غربی در تجارت بین‌الملل است.

### اقتصاد چین: شکاف میان آمار و واقعیت

چین در سال ۲۰۲۵ با پارادوکس‌های عمیقی روبرو بود. در حالی که پکن نرخ رشد رسمی را نزدیک به هدف ۵ درصدی اعلام کرد، تحلیل‌های مستقل و شاخص‌های جایگزین، رشد واقعی را نزدیک به ۲.۷

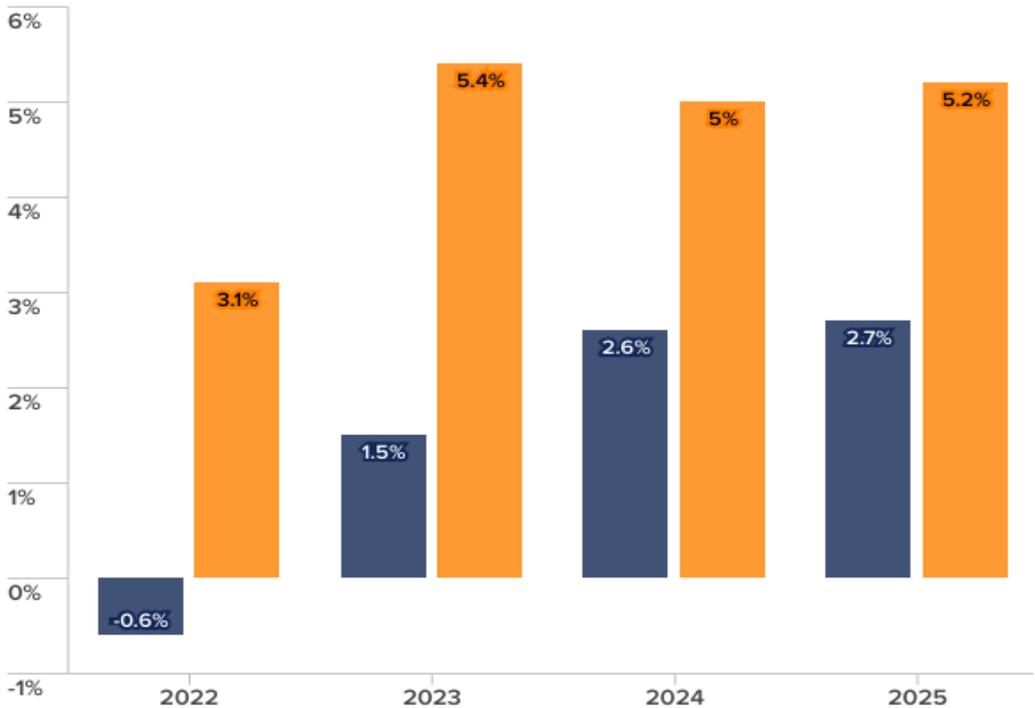


درصد برآورد کردند. کاهش مداوم قیمت‌های تولیدکننده برای ۳۸ ماه متوالی و بحران در بخش مسکن، پکن را ناچار کرد تا برای حفظ رشد، به شدت بر تولیدات صنعتی و صادرات تکیه کند. این سیاست منجر به مازاد ظرفیت عظیم و رقابت تهاجمی برای کسب سهم از بازار جهانی شد.

## China's real GDP growth rate

Official and alternative estimates, 2022-25

Rhodium Group NBS



Source: National Bureau of Statistics, Rhodium Group. NBS figure for 2025 is reported year-to-date growth for Q1-Q3.

علاوه بر این، چین تسلط خود را بر زنجیره ارزش فناوری‌های آینده حفظ کرد. ۹۲ درصد از فرآوری و جداسازی عناصر نادر خاکی، که برای صنایع مدرن حیاتی هستند، همچنان در کنترل چین باقی ماند. از سوی دیگر، صدور ۱۳ میلیارد یوان «اوراق قرضه پاندا» توسط دولت‌های خارجی نشان داد که با وجود

چالش‌های ساختاری، چین همچنان در حال تقویت جایگاه یوآن در بازارهای بدهی بین‌المللی است.

## ایران در فضای اقتصاد جهانی ۲۰۲۵: تحریم‌ها و شبکه‌های غیررسمی

در متن گزارش‌های بین‌المللی سال ۲۰۲۵، نام ایران عمدتاً در پیوند با شبکه‌های مالی غیررسمی و دور زدن تحریم‌ها به چشم می‌خورد. بر اساس ارزیابی‌های اطلاعاتی، ایران موفق شده است از ابتدای سال بیش از یک میلیارد دلار منابع مالی را منتقل کند. این مبالغ که عمدتاً از فروش نفت حاصل شده است، از طریق صرافی‌ها و شرکت‌های خصوصی در دبی و امارات متحده عربی و همچنین شبکه‌هایی در ترکیه و عراق جابجا شده‌اند.

این داده‌ها نشان‌دهنده دو واقعیت مهم در مورد اقتصاد ایران در سال ۲۰۲۵ است: نخست، توانایی بالای حاکمیت در تطبیق خود با محدودیت‌ها و یافتن مسیرهای جایگزین پس از بسته شدن مسیرهای سنتی از طریق سوریه و بیروت. دوم، تداوم وابستگی به فروش نفت به عنوان منبع اصلی تأمین مالی، حتی در شرایطی که فشارهای بین‌المللی بر زنجیره تأمین مالی غیررسمی افزایش یافته است.

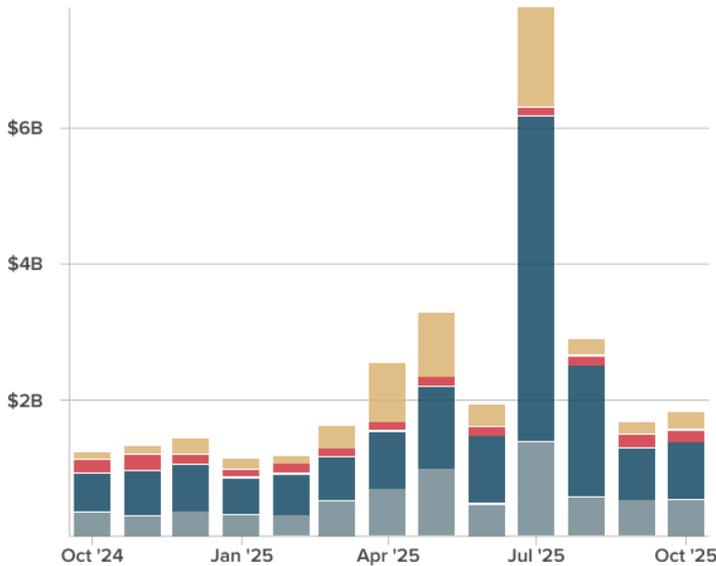
## هوش مصنوعی و تغییر پارادایم در تجارت دیجیتال

تکنولوژی هوش مصنوعی در سال ۲۰۲۵ نه تنها در صنعت، بلکه در مدل‌های درآمدی فضای مجازی نیز تغییرات بنیادی ایجاد کرد. استفاده از موتورهای جستجوی مبتنی بر هوش مصنوعی باعث کاهش ۶۱ درصدی نرخ کلیک بر روی نتایج جستجوی ارگانیک شد، که این امر صنعت تبلیغات چند میلیارد دلاری را با بحران روبرو کرد. در بخش سخت‌افزار، شرکت‌های آمریکایی برای پیش‌دستی نسبت به تعرفه‌های ۲۰ درصدی علیه تایوان، اقدام به انبار کردن گسترده پردازنده‌های گرافیکی کردند که تنها در ماه جولای منجر به صادرات ۴.۷۹ میلیارد دلاری تجهیزات پردازش داده از تایوان به آمریکا شد.

## AI firms in the US stock-pile GPUs from Taiwan

Exports of HS code 847330 (Parts and Accessories for Automatic Data Processing Machines)

Rest of World US China ASEAN



Source: Customs Administration, Ministry of Finance, Taiwan

## جهانی متکثر و غیر قابل پیش بینی

سال ۲۰۲۵ با مجموعه‌ای از تضادها به پایان رسید؛ از یک سو، حجم معاملات روزانه ارز در بازارهای جهانی به رکورد ۹.۶ تریلیون دلار رسید که نشان‌دهنده عمق بازارهای مالی است، و از سوی دیگر، مکانیسم‌های غربالگری سرمایه‌گذاری به دلیل نگرانی‌های امنیتی در ۴۴ کشور توسعه‌یافته گسترش یافت که حاکی از تکه‌تکه شدن زنجیره‌های تأمین و مالکیت است.

در نهایت، اقتصاد جهانی در سال ۲۰۲۵ نشان داد که دوران خوش‌بینی به جهانی‌سازی بی‌قید و شرط به سر آمده است. اکنون، هر معامله تجاری و هر جریان سرمایه از فیلتر امنیت ملی و رقابت‌های ژئوپلیتیک عبور می‌کند. برای سیاست‌گذاران و فعالان اقتصادی، درک این نظم نوین که در آن تکنولوژی، انرژی و بدهی به ابزارهای قدرت تبدیل شده‌اند، بیش از هر زمان دیگری ضرورت یافته است. جهان ۲۰۲۵،



جهانی است که در آن «اطمینان» به کالایی کمیاب تبدیل شده و انعطاف‌پذیری در برابر تغییرات ناگهانی سیاست‌های تجاری، تنها راه بقا در بازار است.

## چشم‌انداز ژئواکونومیک و ژئوپولیتیک ۲۰۲۶

در پایان سال ۲۰۲۵، سیستم جهانی با فشارهای ساختاری عمیقی روبرو شده است که پیامدهای پرهزینه و بلندمدتی را به همراه دارد. تلاقی برنامه‌های متضاد قدرت‌های بزرگ، اختلال در زنجیره‌های تأمین، بهبودی اقتصادی شکننده و مناطق متعدد درگیری، محیطی استراتژیک تعریف شده توسط نوسانات شدید ایجاد کرده است. این وضعیت بیش از هر جا در خاورمیانه مشهود است؛ جایی که بحران‌های همپوشان در غزه، لبنان، سوریه، یمن، لیبی و سودان با بازارهای جهانی انرژی، تجارت دریایی و رویارویی قدرت‌های بزرگ تلاقی می‌کنند. جهان امروز در وضعیتی قرار دارد که در آن نه تنها امنیت فیزیکی، بلکه بنیان‌های اقتصادی و مسیرهای حیاتی تجارت بین‌الملل تحت تأثیر مستقیم تنش‌های ژئوپولیتیک قرار گرفته‌اند. خاورمیانه در این میان، صرفاً یک کانون بحران نیست، بلکه به میدان اصلی نبرد برای تعیین قواعد جدید بازی در عرصه جهانی تبدیل شده است.

ژئوپولیتیک جهانی در سال ۲۰۲۵ تحت تأثیر سه پویایی تقویت‌کننده شکل گرفت: نخست، گسستگی رقابت قدرت‌های بزرگ که در آن بازیگران اصلی به سمت جداسازی انتخابی اقتصادی و ایجاد نفوذ رقابتی حرکت کردند. بازنگری در روابط ایالات متحده و چین، همراه با موضع تهاجمی روسیه، باعث شد تا کشورهای آسیا، خاورمیانه و آفریقا به سمت سیاست‌های خارجی چندوجهی و تنوع‌بخشی به شرکای خود سوق یابند. دومین پویایی، آسیب‌پذیری مسیرهای تجاری بود که امنیت دریایی در دریای سرخ را به چالش کشید و باعث بازنگری در لجستیک جهانی شد. تغییر مسیر کشتی‌ها از دماغه امید نیک نه تنها زمان ترانزیت و هزینه‌های بیمه را افزایش داد، بلکه فشارهای تورمی جهانی را نیز تشدید کرد. سومین مورد، تنش‌های مربوط به گذار انرژی است؛ جایی که تولیدکنندگان سنتی هیدروکربن با چالش دوگانه حفظ درآمدهای کوتاه‌مدت و آماده‌سازی برای آینده‌ای با کربن کمتر روبرو هستند.

در این میان، ایران به عنوان یک بازیگر کلیدی، با چالش‌های مضاعفی روبرو بوده است. از یک سو، اختلافات بر سر راستی‌آزمایی هسته‌ای تنش‌های دیپلماتیک را بالا نگه داشته و از سوی دیگر، هرگونه اشتباه محاسباتی در روابط منطقه‌ای خطر گسترش درگیری‌ها را به همراه دارد. با ورود به سال ۲۰۲۶، سیاست‌گذاران با وظیفه‌ای فراتر از پاسخ به بحران روبرو هستند؛ آن‌ها باید به دنبال پیشگیری استراتژیک

از طریق ساخت نهادها در مناطق دارای خلأ قدرت و همسو کردن انگیزه‌های اقتصادی با ثبات سیاسی باشند. اگر این تلاش‌ها با هماهنگی پیش رود، سال ۲۰۲۶ می‌تواند نقطه عطفی باشد که در آن منحنی بی‌ثباتی به سمت یک نظم منطقه‌ای پایدارتر خم شود.

### تحول ژئوپلیتیک ۲۰۲۵: رقابت قدرت‌ها و فرسایش ثبات

سال ۲۰۲۵ سالی بود که در آن رقابت قدرت‌های بزرگ از حالت تقابل مستقیم به سمت یک رقابت ساختاری و انتخابی تغییر شکل داد. قدرت‌های جهانی با اتخاذ استراتژی‌های «پوشش ریسک»<sup>۱</sup> تلاش کردند تا وابستگی‌های خود را در بخش‌های حساس کاهش دهند، که این امر منجر به نوعی گسستگی در اقتصاد جهانی شد. این فضا باعث شد تا کشورهای در حال توسعه در خاورمیانه و آفریقا، به جای انتخاب میان بلوک‌های شرق و غرب، به دنبال «سیاست خارجی چندبرداری» بروند تا منافع ملی خود را در فضای رقابتی حفظ کنند. این تغییر رفتار، اضطراب‌های غرب را در مورد به چالش کشیده شدن برتری‌اش در سیستم بین‌الملل دوچندان کرد.

در بطن این رقابت‌ها، خاورمیانه به عنوان عرصه‌ای عمل کرد که در آن برنامه‌های قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای، اغلب با اهداف متضاد، به هم رسیدند. برای مثال، در سوریه، با وجود کاهش درگیری‌های گسترده، منافع متضاد روسیه، ایران، ترکیه، اسرائیل و ایالات متحده مانع از دستیابی به هرگونه توافق سیاسی معنادار شد. در حالی که دیدارهای سطح بالا انتظارات را برای ثبات افزایش داده بود، اما امنیت همچنان ناپایدار ماند و تلاش‌های بازسازی به شدت سیاسی و تکه‌تکه باقی ماند. این وضعیت نشان‌دهنده الگوی بزرگتری است که در آن ثبات سیاسی فدای رقابت‌های نفوذ شده است.

### بحران‌های منطقه‌ای و گره‌های ناگشوده

در طول سال ۲۰۲۵، درگیری‌های غزه و فلسطین در وضعیتی میان «نه جنگ و نه صلح» گرفتار ماند. علی‌رغم آتش‌بس‌های پراکنده، نبود افق سیاسی روشن باعث تداوم چرخه‌های تنش شد، هرچند

یک توافق ۲۰ ماده‌ای در پایان سال، روزه‌ای برای تحقق آرزوهای فلسطینیان و راهکار دو کشوری ایجاد کرد. این درگیری به وضوح نشان داد که چگونه یک بحران محلی می‌تواند ثبات کل منطقه را تحت تأثیر قرار داده و ریسک سرریز تنش را به شدت افزایش دهد.

لبنان نیز در این سال به شدت آسیب‌پذیر باقی ماند؛ جایی که ترکیب وضعیت حزب‌الله در مرزهای جنوبی، محاسبات بازدارندگی اسرائیل و فروپاشی نهادهای دولتی، محیطی بسیار ملتهب ایجاد کرد که ظرفیت کشور برای جذب شوک‌های جدید را به حداقل رساند. در یمن، حملات به کشتیرانی دریای سرخ، که توسط حوثی‌ها به جنگ غزه پیوند خورد، نشان داد که چگونه ناراضی‌های منطقه‌ای می‌تواند به سرعت تجارت جهانی را مختل کند. دریای سرخ تا زمانی که در یک چارچوب امنیتی منطقه‌ای گسترده‌تر گنجانده نشود، همچنان یک نقطه استراتژیک شکننده باقی خواهد ماند.

### اقتصاد جنگ و پیامدهای مالی در کشورهای آسیب‌پذیر

یکی از نگران‌کننده‌ترین روندهای سال ۲۰۲۵، تثبیت «اقتصادهای جنگی» در کشورهایی مانند لیبی و سودان بود. در لیبی، شبکه‌های قاچاق سوخت و ساختارهای حامی پروری میلیاردها دلار از اقتصاد این کشور خارج کردند و بن‌بست سیاسی مانع از حکمرانی واحد شد و این کشور را به مرکز تجارت غیرقانونی تبدیل کرد. در سودان نیز جنگ میان جناح‌های رقیب برای کنترل قلمرو و منابع، یکی از بدترین بحران‌های بشری جهان را رقم زد و اقتصاد جنگی به گونه‌ای ریشه دواند که چشم‌انداز حل و فصل مذاکره را پیچیده کرد.

این فشارها پیامدهای جهانی نیز به همراه داشت. هزینه‌های بالای حمل و نقل ناشی از تغییر مسیر کشتی‌ها و افزایش حق بیمه، درآمدهای کانال سوئز را در بخش بزرگی از سال کاهش داد و بازارهای اروپا تا آسیا را تحت تأثیر قرار داد. کشورهای شکننده مانند لبنان، سوریه و یمن با بدهی‌های فزاینده و کاهش ظرفیت درآمدی روبرو شدند که خطر فروپاشی کامل اقتصادی را در آن‌ها جدی‌تر کرد. در مقابل، کشورهای حوزه خلیج فارس با استفاده از صندوق‌های ثروت ملی خود، به سرمایه‌گذاری در فناوری‌های گذار انرژی و تنوع‌بخشی اقتصادی ادامه دادند، هرچند حفظ تعادل در روابط با واشینگتن و پکن برای آن‌ها یک چالش استراتژیک ظریف باقی ماند.

## نقش و جایگاه ایران در معادلات ۲۰۲۶

ایران در مرکز بسیاری از پویایی‌های ذکر شده قرار دارد. نفوذ این کشور از طریق گروه‌های همسو در شام و یمن، و همزمان تنش‌های ناشی از پرونده هسته‌ای، ایران را در وضعیتی قرار داده است که هرگونه اقدام آن می‌تواند کاتالیزوری برای تغییرات بزرگ منطقه‌ای باشد. در سال ۲۰۲۶، شفافیت هسته‌ای و تنش‌زدایی منطقه‌ای با هدف جلوگیری از اشتباهات محاسباتی، یک اولویت کلیدی است. اگر کانال‌های دیپلماتیک ضعیف شوند، حتی حوادث کوچک میان ایران و اسرائیل می‌تواند به یک درگیری گسترده منجر شود که فرآیند حل مسئله فلسطین را نیز مختل خواهد کرد.

از منظر اقتصادی، ایران نیز مانند سایر کشورهای منطقه از ناامنی مسیرهای تجاری دریایی متضرر می‌شود. ثبات در دریای سرخ و تنگه هرمز برای جریان انرژی و تجارت کالا حیاتی است. پیشنهاد ایجاد یک پیمان امنیتی در دریای سرخ با مشارکت کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای می‌تواند برای ایران هم فرصت و هم چالش باشد تا در یک معماری امنیتی مشترک نقش ایفا کند. همچنین، پروژه‌های زیرساختی فرامرزی و ادغام اقتصادی در صورت تثبیت امنیت، می‌تواند پیوندهای تجاری میان خلیج فارس، شام و شمال آفریقا را تقویت کند که ایران پتانسیل بالایی برای نقش‌آفرینی در این کریدورها دارد.

## اولویت‌های سیاستی برای گذار به ثبات

برای سال ۲۰۲۶، سیاست‌گذاران باید بر چندین اولویت متمرکز شوند تا از سقوط بیشتر منطقه به بی‌ثباتی جلوگیری کنند. اولویت نخست، اجرای کامل توافقات آتش‌بس در غزه به سمت راهکار دو کشوری است. در سودان نیز، جامعه جهانی باید برای جلوگیری از تقسیم این کشور که می‌تواند «جعبه پاندورا» را در شرق آفریقا باز کند، تلاش جدی داشته باشد. علاوه بر این، ایجاد مکانیسم‌های بازسازی شفاف و مشروط در مناطقی مانند غزه، سودان و سوریه می‌تواند انگیزه‌ای برای تنش‌زدایی ایجاد کند.

مبارزه با اقتصادهای جنگی و شبکه‌های قاچاق از طریق مدرن‌سازی گمرکات، اصلاح یارانه‌ها و



حسابرسی شرکت‌های دولتی ضروری است تا انگیزه‌های مالی بازیگران درگیر در جنگ از بین برود. همچنین، حمایت از تاب‌آوری اقتصادی در کشورهای شکننده، از جمله تأمین امنیت غذایی و بازیابی کشاورزی در یمن و سودان، باید در اولویت باشد تا از تبدیل بحران‌های انسانی به دارایی‌های ژئوپلیتیک بلندمدت جلوگیری شود.

در نهایت، خاورمیانه در سال ۲۰۲۶ بر سر یک دوراهی ایستاده است. با وجود خطرات حاد مانند از سرگیری خشونت‌ها در دریای سرخ یا فروپاشی نهادی در لبنان، فرصت‌هایی برای ساختن یک معماری امنیتی جدید و مشارکت‌های انرژی وجود دارد. موفقیت در این مسیر مستلزم آن است که مشوق‌های اقتصادی با ثبات سیاسی همسو شوند و از خلأهای قدرتی که منجر به ظهور اقتصادهای غارتگر می‌شود، جلوگیری شود.

به طور خلاصه، وضعیت فعلی منطقه مانند یک بنای تاریخی عظیم است که پایه‌های آن به دلیل لرزه‌های مداوم ترک خورده است؛ اگر معماران دیپلماسی و اقتصاد به جای وصله پینه کردن‌های موقت، به فکر مقاوم‌سازی ساختاری و بازسازی پیوندها نباشند، خطر ریزش کل بنا نه تنها ساکنان آن، بلکه رهگذران در مسیرهای تجارت جهانی را نیز تهدید خواهد کرد.

## ۲۰۲۶ و پنج روند ساختاری در مسیر گذار جهانی و بازآرایی نظم نوین اقتصادی در آستانه یک دگردیسی بزرگ

اقتصاد جهانی در شروع سال ۲۰۲۶ در نقطه‌ای حساس و تعیین‌کننده قرار دارد که با بی‌ثباتی‌های فزاینده، تنش‌های ژئوپلیتیک و تغییرات بنیادین در زیرساخت‌های تولید و سرمایه‌شناسی می‌شود. در حالی که سرفصل اخبار روزانه عمدتاً بر کندی رشد اقتصادی، جنگ‌های تجاری فرساینده و بحران‌های مهاجرتی متمرکز است، نیروهای عمیق‌تر و ساختاری در لایه‌های زیرین در حال بازتعریف قواعد بازی هستند. این نیروها نه تنها بر چندجانبه‌گرایی سنتی فشار وارد می‌کنند، بلکه با تقویت بلوک‌های نوظهوری نظیر بریکس پلاس، صحنه را برای یک بازآرایی فراگیر در قدرت اقتصادی جهان آماده می‌سازند. برای سیاست‌گذاران و فعالان اقتصادی، درک این نکته ضروری است که مدل‌های رشد قرن بیستم دیگر پاسخگوی چالش‌های پیش‌رو نیستند. ما در دورانی به سر می‌بریم که پیوند میان دموگرافی، تکنولوژی و منابع طبیعی، معادلات ثروت و نفوذ را تغییر داده است.

در این میان، کشورهایی مانند ایران که در چهارراه جغرافیایی و انرژی جهان قرار دارند، بیش از هر زمان دیگری تحت تأثیر این امواج جهانی قرار خواهند گرفت. گذار از یک نظام متمرکز بر غرب به یک نظام چندقطبی، فرصت‌ها و تهدیدهای بی‌سابقه‌ای را پیش روی اقتصادهای در حال توسعه قرار می‌دهد. این گزارش با نگاهی تحلیلی به پنج روند کلیدی شامل تغییرات جمعیتی، تحول در بازار کار بر اثر هوش مصنوعی، محدودیت منابع طبیعی، و تضاد در رفتارهای مالی میان قطب‌های اقتصادی، به بررسی آینده‌ای می‌پردازد که در آن آمادگی زود هنگام تنها راه بقا و پیشرفت است.

در حالی که جهان با پدیده «پیری جمعیت» در قطب‌های سنتی قدرت دست و پنجه نرم می‌کند، جابجایی کانون‌های مصرف و تولید به سمت جنوب جهانی، زنجیره‌های تأمین را دستخوش تغییر خواهد کرد. همزمان، انقلاب هوش مصنوعی و بحران‌های زیست‌محیطی، تعریف سنتی از نیروی کار و امنیت ملی را دگرگون ساخته‌اند. این گزارش تلاش می‌کند با رویکردی کارشناسی، این روندهای پیچیده را به گونه‌ای ترسیم کند که هم برای نخبگان دانشگاهی و هم برای تصمیم‌گیران اجرایی، نقشه‌ای روشن از مسیر پیش‌روی اقتصاد بین‌الملل ارائه دهد.

## گسست جمعیتی: پیروزی جوانی در برابر بحران بازنشستگی

یکی از بنیادی‌ترین تغییرات ساختاری، تحول در هرم جمعیتی جهان است. پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد که جمعیت جهان در اواسط دهه ۲۰۸۰ به اوج خود یعنی حدود ۱۰.۳ میلیارد نفر خواهد رسید، اما این عدد کلی، بحران‌های زیرپوستی را پنهان می‌کند. شکاف میان جوامع در حال پیر شدن و جوامع جوان در حال گسترش است؛ به طوری که نسبت افراد در سن کار به بازنشستگان از ۹.۴ در اواخر دهه نود میلادی به تنها ۳.۹ تا سال ۲۰۵۰ سقوط خواهد کرد. این روند، سیستم‌های بازنشستگی و بودجه‌های عمومی در کشورهای توسعه‌یافته را تحت فشاری خردکننده قرار می‌دهد و آن‌ها را مجبور به بازنگری در قراردادهای اجتماعی خود می‌کند.

در این چشم‌انداز، جغرافیای قدرت جمعیتی به طور کامل جابجا می‌شود. در حالی که کشورهای مثل ایتالیا و ژاپن با کاهش شدید و نیمی شدن جمعیت خود تا پایان قرن روبرو هستند، هند از چین پیشی گرفته و نیجریه در مسیری است که به دومین کشور پرجمعیت جهان تبدیل شود. این تغییرات به معنای ورود صدها میلیون نیروی کار جدید از کشورهای در حال توسعه به بازار جهانی است، آن هم درست در زمانی که اقتصادهای پیشرفته با کمبود نیروی کار مواجه‌اند. این نابرابری جمعیتی نه تنها جریان‌های مهاجرتی را تشدید می‌کند، بلکه الگوهای مصرف جهانی را نیز تغییر می‌دهد؛ چرا که مرکز ثقل مصرف به سمت اقتصادهای با درآمد پایین‌تر منتقل می‌شود که تقاضای متفاوتی برای کالاها و خدمات دارند.

## هوش مصنوعی و پارادوکس بهره‌وری: سایه بیکاری بر رفاه

انقلاب هوش مصنوعی به عنوان دومین روند ساختاری، نویدبخش جهشی بزرگ در بهره‌وری و رشد اقتصادی است، اما همزمان تهدیدی جدی برای ثبات بازار کار محسوب می‌شود. این فناوری پتانسیل آن را دارد که میلیون‌ها شغل، به ویژه مشاغل تکراری و روتین را از بین ببرد. نگرانی اصلی اقتصاددانان، شکل‌گیری یک طبقه فرودست بیکار است که می‌تواند پیامدهای اجتماعی و ماکرو-اقتصادی وخیمی به دنبال داشته باشد. اگر منافع حاصل از رشد مبتنی بر هوش مصنوعی به طور نامتناسبی به جای نیروی کار، نصیب صاحبان سرمایه شود، شکاف طبقاتی به شکلی بی‌سابقه عمیق‌تر خواهد شد.

در چنین شرایطی، دولت‌ها تحت فشار فزاینده‌ای برای مداخله قرار خواهند گرفت. احتمال می‌رود

که بخش تکنولوژی با مالیات‌های سنگین‌تری روبرو شود تا هزینه برنامه‌های رفاهی مانند «درآمد پایه همگانی» تأمین گردد. این تحول، مدل‌های مالیاتی و حمایتی دولت‌ها را دگرگون خواهد کرد. برای کشورهایی که زیرساخت‌های دیجیتال ضعیف‌تری دارند، خطر تبدیل شدن به «مستعمره تکنولوژیک» وجود دارد؛ جایی که آن‌ها تنها مصرف‌کننده فناوری‌های وارداتی هستند و توان رقابت در تولید ارزش افزوده مبتنی بر هوش مصنوعی را ندارند.

### تنگنای منابع: رقابت بر سر مس، لیتیوم و آب

روند سوم که به همان اندازه بحرانی است، محدودیت‌های شدید در منابع طبیعی است. انتقال به انرژی‌های پاک به شدت به مواد معدنی حیاتی وابسته است، در حالی که آژانس بین‌المللی انرژی هشدار می‌دهد که بدون سرمایه‌گذاری‌های عظیم، جهان با کمبود ۳۰ درصدی مس تا سال ۲۰۳۵ مواجه خواهد شد. فلزاتی مانند لیتیوم، نیکل و کبالت نیز با وضعیت مشابهی روبرو هستند. این کمبودها نه تنها فرآیند تولید باتری و خودروهای الکتریکی را مختل می‌کند، بلکه می‌تواند منجر به بروز درگیری‌های ژئوپلیتیک جدید بر سر کنترل معادن در آفریقا و آمریکای لاتین شود.

علاوه بر مواد معدنی، بحران آب نیز به یک مانع ساختاری بزرگ تبدیل شده است. در حال حاضر حدود یک چهارم کشاورزی جهانی در مناطق با تنش آبی بالا انجام می‌شود که امنیت غذایی را در معرض خطر قرار داده است. جالب اینجاست که گسترش هوش مصنوعی نیز این بحران را تشدید می‌کند، زیرا مراکز داده و کارخانه‌های نیمه‌هادی برای خنک‌سازی به مقادیر عظیمی آب نیاز دارند. این تداخل میان نیازهای تکنولوژیک و نیازهای زیستی، مدیریت منابع آب را به یکی از پیچیده‌ترین چالش‌های سیاست‌گذاری در دهه‌های آینده تبدیل خواهد کرد. برای ایران، این موضوع به دلیل بحران‌های مزمن آبی و پتانسیل‌های معدنی دست‌نخورده، از اهمیت استراتژیک مضاعفی برخوردار است.

### دوگانه رفتاری در بازارهای مالی: ریسک‌پذیری آمریکایی در برابر احتیاط اروپایی

روندهای چهارم و پنجم به تفاوت‌های عمیق در فرهنگ مالی و اشتیهای ریسک در دو سوی اقیانوس اطلس بازمی‌گردد. در ایالات متحده، تمایل به سرمایه‌گذاری‌های مخاطره‌آمیز به شدت افزایش یافته و

بازارهای سهام را به سطوح تاریخی رسانده است. انتقال ثروت ۱۰۰ تریلیون دلاری از نسل‌های قدیمی به نسل‌های جوان‌تر، حجم عظیمی از سرمایه را به سمت دارایی‌های پرریسک مانند ارزهای دیجیتال و سهام شرکت‌های تکنولوژی سوق داده است. با این حال، این هجوم سرمایه با خطرات بزرگی همراه است؛ چرا که بخش بزرگی از این فعالیت‌های اعتباری در «نظام بانکداری سایه» و دور از نظارت‌های رگولاتوری انجام می‌شود که می‌تواند کارایی سیاست‌های پولی بانک مرکزی (فدرال رزرو) را تضعیف کرده و ریسک‌های سیستماتیک ایجاد کند.

در مقابل، بریتانیا و اروپا با مشکلی کاملاً متفاوت یعنی «ریسک‌گریزی ساختاری» مواجه هستند. موانع بوروکراتیک، قوانین سخت‌گیرانه و بازارهای سرمایه پراکنده، رشد اقتصادی این قاره را کند کرده است. سرمایه‌گذاری خطرپذیر در آمریکا حدود ۱۰ برابر بیشتر از اتحادیه اروپا است و اکثریت بزرگی از خانواده‌های اروپایی تمایلی به پذیرش ریسک‌های مالی ندارند. این فضای رخوت‌زده، به ویژه در بازار بورس لندن مشهود است که به پایین‌ترین سطح جذب سرمایه در ۳۰ سال اخیر رسیده است. اگر اروپا نتواند این رویکرد محافظه‌کارانه را تغییر دهد، در مسابقه بزرگ هوش مصنوعی و نوآوری از رقبای عقب مانده و جایگاه خود را به عنوان یک قدرت اقتصادی پیشرو از دست خواهد داد.

## چشم‌انداز سیاست‌گذاری

پنج روند ساختاری مذکور، در کنار هم در حال ترسیم مجدد نقشه‌های تجاری، مسیرهای سرمایه‌گذاری و زنجیره‌های تأمین جهانی هستند. جهان در حال حرکت به سمتی است که در آن مدیریت هوشمندانه منابع، تطبیق سریع با فناوری‌های نوین و بازنگری در سیاست‌های جمعیتی و مالی، تعیین‌کننده موفقیت ملت‌ها خواهد بود. برای اقتصادی مانند ایران، این تغییرات به معنای ضرورت تنوع‌بخشی به شرکای تجاری، سرمایه‌گذاری در آموزش‌های مرتبط با اقتصاد دیجیتال برای مقابله با پیامدهای هوش مصنوعی، و مدیریت دقیق ترانزنامه منابع طبیعی است. تصمیم‌گیرانی که این تحولات ساختاری را زودتر شناسایی کرده و سیاست‌های خود را بر اساس این واقعیت‌های نوین تنظیم کنند، قادر خواهند بود تهدیدهای ناشی از این گذار بزرگ را به فرصت‌هایی برای رشد پایدار تبدیل کنند. در غیر این صورت، فاصله میان اقتصادهای پیشرو و پیرو، عمیق‌تر و غیرقابل جبران‌تر از گذشته خواهد شد.

## بازارهای دارایی در ۲۰۲۶ و معمای سرخوشی غیرمنطقی

جهان در آستانه سال ۲۰۲۶ با پارادوکسی آشکار روبروست؛ از یک سو، سه سال بازدهی استثنایی در بازارهای دارایی و رشد شتابان فناوری‌های نوین، نوعی سرخوشی و اطمینان خاطر را در میان سرمایه‌گذاران تزریق کرده است و از سوی دیگر، نشانه‌های بنیادین از وقوع یک اصلاح بزرگ و گریزناپذیر خبر می‌دهند. تاریخ اقتصاد همواره گواه آن بوده است که دوره‌های طولانی مدت صعود بازار، اغلب به سقوط‌های دردناکی ختم می‌شوند که نتیجه نادیده گرفتن ریسک‌های ساختاری است. در حال حاضر، به نظر می‌رسد جادویی که قیمت‌ها را در سطوح بالا نگه داشته، در حال باطل شدن است. در حالی که سال ۲۰۲۵ با شوک‌های متعددی سپری شد، سال ۲۰۲۶ به عنوان نقطه عطفی شناخته می‌شود که در آن، پیامدهای بلندمدت سیاست‌های حمایتی، تنش‌های ژئوپلیتیک فزاینده و اشباع بازارهای مبتنی بر هوش مصنوعی به هم گره می‌خورند.

این گزارش تحلیلی، با نگاهی به روندهای طی شده در سال‌های اخیر، به بررسی این موضوع می‌پردازد که چرا سال ۲۰۲۶ می‌تواند سالی فراتر از یک تلاطم ساده باشد. ما با پدیده‌ای روبرو هستیم که در آن، ارزش‌گذاری‌های بازار سهام با واقعیت‌های اقتصادی همخوانی ندارند و بدهی‌های جهانی به سطوح نگران‌کننده‌ای رسیده‌اند. در این میان، بازگشت دونالد ترامپ به کاخ سفید و رویکردهای غیرقابل پیش‌بینی او در حوزه‌های تعرفه، مهاجرت و امنیت ملی، لایه‌ای از بی‌ثباتی را افزوده است که پیش‌بینی آینده را حتی برای نهادهای بین‌المللی دشوار می‌سازد.

از منظر تحلیلگران برجسته، گذار از دوران «پول ارزان» به دورانی که در آن نرخ‌های بهره و تورم ممکن است دوباره شعله‌ور شوند، نیازمند بازنگری جدی در استراتژی‌های کلان اقتصادی است. در حالی که اروپا با بحران‌های هویتی و ساختاری در اتحادیه مالی خود دست‌وپنجه نرم می‌کند، آسیا و به‌ویژه چین در حال بازتعریف قدرت نظامی و تکنولوژیک خود هستند. در این میان، کشورهای در حال توسعه و اقتصادهای تحت فشار نظیر ایران نیز نمی‌توانند از ترکش‌های این تغییرات جهانی در امان بمانند. نوسانات ارزش دلار، تغییر در تقاضای جهانی انرژی به واسطه ظهور «دولت‌های الکترونیکی» و بازآرایی زنجیره‌های تأمین، همگی عواملی هستند که ضرورت تدوین سیاست‌های منعطف و پیش‌دستانه را بیش

از پیش نمایان می‌کنند. این گزارش در ادامه به بررسی مضامین کلیدی این تحولات و تأثیرات متقابل آن‌ها بر اقتصاد جهانی و منطقه‌ای می‌پردازد.

## تلاطم مورد انتظار در بازار دارایی

بررسی‌های اقتصادی نشان می‌دهد که بازارهای جهانی دارایی طی سه سال گذشته بازدهی خیره‌کننده‌ای داشته‌اند، اما این صعود مداوم، چشمان سرمایه‌گذاران را بر روی ریسک‌های موجود بسته است. وضعیت کنونی شباهت عجیبی به سال ۱۹۹۶ دارد؛ زمانی که آلن گرینسپن درباره «سرخوشی غیرمنطقی» هشدار داد، اما بازارها تا سال ۲۰۰۰ به رشد خود ادامه دادند و سپس با سقوطی سهمگین روبرو شدند. اکنون نیز به نظر می‌رسد قیمت‌های سهام به شدت با بنیان‌های اقتصادی فاصله گرفته‌اند و بدهی‌های سنگین جهانی، سیستم را در برابر هرگونه افزایش نرخ بهره آسیب‌پذیر کرده است.

عامل دیگری که بر شدت این ناپایداری می‌افزاید، پایان دوره ریاست جروم پاول بر فدرال رزرو است. فشارها برای انتصاب جانشینی که تمایل بیشتری به کاهش نرخ بهره داشته باشد، حتی به قیمت تحریک تورم، می‌تواند استقلال بانک مرکزی ایالات متحده را خدشه‌دار کند. این تغییر رویکرد در قلب تپنده مالی جهان، در کنار نوسانات احتمالی ین ژاپن و معکوس شدن معاملات موسوم به «ین کری ترید»، پتانسیل ایجاد یک اثر دومینویی را دارد که در آن بی‌ثباتی، خود را تغذیه کرده و ابعاد گسترده‌تری می‌یابد.

## هوش مصنوعی: از حباب تا واقعیت انتشار فناوری

سرمایه‌گذاران به شدت بر روی سودآوری کلان ناشی از هزینه‌کردهای سنگین در حوزه هوش مصنوعی شرط‌بندی کرده‌اند، اما تاریخ نشان داده است که فناوری‌های تحول‌آفرین نظیر راه‌آهن و اینترنت، همواره با چرخه‌های رونق و رکود همراه بوده‌اند. واقعیت این است که ورود اولیه به این حوزه‌ها اغلب با شکست‌های تماشایی همراه است و تنها نسل دوم شرکت‌هایی که از اشتباهات پیشین درس می‌گیرند، به ثبات می‌رسند. چالش اصلی در سال ۲۰۲۶، نه در توسعه لبه‌های فناوری، بلکه در نحوه «انتشار» و نفوذ آن در بدنه اقتصاد نهفته است.

شکاف میان انتظارات بازار و واقعیت‌های بهره‌وری می‌تواند منجر به یک اصلاح شدید در بخش فناوری شود. در حالی که برخی معتقدند هوش مصنوعی می‌تواند رشد اقتصادی را جهش دهد، برخی دیگر هشدار می‌دهند که عدم اطمینان درباره طول عمر شرکت‌های پیشرو و نحوه جایگزینی نیروی کار، ریسک سقوط بازار سهام را به شکل نگران‌کننده‌ای افزایش داده است. موفقیت نهایی هوش مصنوعی بیش از آنکه به پیشرفت‌های آزمایشگاهی وابسته باشد، به توانایی جوامع برای جذب و سازگاری با این تغییرات ساختاری بستگی دارد.

### سایه سیاست‌های حمایتی و تلاطم‌های ژئوپلیتیک

بازگشت سیاست‌های حمایت‌گرایانه در ایالات متحده، که از آن به عنوان «آشفته‌گی بزرگ اقتصادی» یاد می‌شود، هزینه‌های سنگینی را بر تجارت جهانی تحمیل کرده است. تعرفه‌های سنگین و سیاست‌های انقباضی مهاجرتی نه تنها زنجیره‌های تأمین را مختل کرده، بلکه موجب افزایش قیمت‌ها برای مصرف‌کنندگان نهایی شده است. این رویکردها که با هدف تقویت تولید داخلی اتخاذ شده‌اند، در عمل به کاهش رشد اقتصادی منجر شده و محیطی را فراهم کرده‌اند که در آن نوسانات روزانه سیاست، جایگزین پیش‌بینی‌پذیری اقتصادی شده است.

در سطح بین‌المللی، تنش میان چین و ایالات متحده وارد فاز جدیدی شده است. پیشرفت‌های سریع چین در صنایع دفاعی و پهپادی، در کنار گسترش ناوگان دریایی این کشور، توازن قدرت را به چالش کشیده است. از سوی دیگر، اروپا که در سال ۲۰۲۵ شوک‌های متعددی را تجربه کرد، اکنون با ضرورت اصلاحات ساختاری در اتحادیه مالی خود روبروست. عدم حرکت به سمت یک اتحادیه مالی منسجم و اصرار بر قوانین اجماع‌محور، اروپا را در برابر رقبای جهانی تضعیف کرده و لزوم بازنگری در نقش یورو در مبادلات بین‌المللی را دوچندان نموده است.

### ساختار در حال تغییر اقتصاد جهانی و موقعیت ایران

اقتصاد جهانی با پنج روند ساختاری بزرگ روبروست: پیری جمعیت، اختلالات ناشی از هوش مصنوعی، سرمایه‌گذاری‌های سفته‌بازانه، تغییرات اقلیمی و بازآرایی قدرت‌های اقتصادی. چین به سمت تبدیل

شدن به یک «دولت الکترونیکی» حرکت می‌کند که در آن تسلط بر بازارهای انرژی پاک و خودروهای برقی، ابزار جدید قدرت سیاسی است. این تغییرات ساختاری، تقاضا برای حامل‌های انرژی سنتی را تحت تأثیر قرار داده و کشورهای صادرکننده نفت را با چالش‌های جدیدی روبرو می‌کند.

برای ایران، این تحولات جهانی حامل پیام‌های متناقضی است. کاهش احتمالی ارزش دلار می‌تواند در کوتاه‌مدت فشارهای ارزی را اندکی تعدیل کند، اما سیاست‌های حمایتی و تعرفه‌های آمریکا که منجر به کاهش رشد جهانی می‌شود، تقاضا برای کالاهای صادراتی ایران و قیمت جهانی نفت را تهدید می‌کند. علاوه بر این، نوسانات شدید در بازارهای دارایی جهانی می‌تواند موجب خروج سرمایه از بازارهای نوظهور و افزایش ریسک‌های مالی در منطقه شود. در چنین شرایطی، ایران باید با بهره‌گیری از فرصت‌های ناشی از تنوع‌بخشی به بازارهای صادراتی و تمرکز بر فناوری‌های نهایی، خود را در برابر شوک‌های بیرونی مصون سازد.

## تاب‌آوری در میانه توفان

سال ۲۰۲۶ آزمونی بزرگ برای تاب‌آوری نهادهای اقتصادی و مالی جهان خواهد بود. در حالی که سرخوشی ناشی از سودهای سال‌های گذشته ممکن است برخی را به نادیده گرفتن واقعیت‌ها وادارد، اما داده‌ها نشان می‌دهند که اصلاحات عمیق در راه است. تلاقی نوسانات سیاسی در واشینگتن، بن‌بست‌های نهادی در بروکسل و جاه‌طلبی‌های تکنولوژیک در پکن، محیطی را ایجاد کرده است که در آن تنها بازیگرانی سربلند خواهند بود که بر اصول بنیادین اقتصادی تمرکز کرده و از تصمیمات مبتنی بر هیجان پرهیزند.

اقتصاد جهانی در حال گذار از یک مدل قدیمی به مدلی است که در آن امنیت ملی و استقلال اقتصادی بر بهره‌وری مطلق برتری یافته است. این تغییر پارادایم، اگرچه در کوتاه‌مدت هزینه‌زا و پرتلاطم است، اما در بلندمدت ساختارهای جدیدی را شکل خواهد داد. برای سیاست‌گذاران و صاحبان کسب‌وکار، درک این نکته ضروری است که ثبات سال‌های گذشته یک استثنا بوده است و اکنون زمان آماده‌سازی برای دورانی است که در آن «تغییر» تنها مولفه ثابت خواهد بود.

## آینده سلطه دلار در عصر پول دیجیتال: از دارایی‌های لنگری تا زیرساخت‌های نوین

### گذار از عصر طلا به حکمرانی زیرساخت‌های دیجیتال

در طول قرن گذشته، مبانی مالی جهانی دو بار با تغییراتی بنیادین روبرو شده است؛ تغییراتی که هر بار به دلیل ناتوانی ماشین پولی جهان در تحمل بارهای سنگین اقتصادی به وقوع پیوستند. نخستین بار، پس از جنگ جهانی دوم، معماری پولی جهان بر پایه قدرت اقتصادی ایالات متحده و دلاری بنا شد که پشتوانه طلا داشت. در آن دوران، دولت‌ها محدودیت بر حاکمیت پولی خود را به بهای دستیابی به نرخ‌های ارز پایدار و تامین نقدینگی جهانی توسط ایالات متحده پذیرفتند. اما با تعمیق بازارهای سرمایه، سیستم برتون وودز غیرقابل دفاع شد و در سال ۱۹۷۱، ایالات متحده قابلیت تبدیل دلار به طلا را لغو کرد. این رویداد جهان را به سمت رژیم نرخ ارز شناور سوق داد؛ سیستمی که اگرچه برای یک اقتصاد جهانی یکپارچه انعطاف‌پذیر بود، اما به طور ذاتی شکننده و مستعد بحران‌های مکرر باقی ماند. امروز، ما در آستانه سومین شیفت بزرگ تاریخی قرار داریم. این بار، تغییرات نه از طریق معاهدات دیپلماتیک یا سیاست‌های نرخ ارز، بلکه از طریق ظهور دارایی‌های دیجیتال، استیبل‌کوین‌ها، سپرده‌های توکنیزه شده و ارزهای دیجیتال بانک مرکزی (CBDC) در حال وقوع است. پرسش کلیدی دیگر این نیست که کدام بانک مرکزی «دارایی لنگر» سیستم پولی جهان را صادر می‌کند، بلکه پرسش اصلی این است که ارزش در شبکه پولی بر روی زیرساخت‌های متعلق به چه کسی به گردش در می‌آید. فناوری اکنون در حال دستیابی به چیزی است که سیاست از انجام آن ناتوان بوده است: بازآرایی قدرت پولی از پایین به بالا.

در حالی که ساختار اقتصاد جهانی به سمت چندقطبی شدن حرکت کرده است—با پیشتازی چین در تجارت، صادرات سرمایه توسط منطقه یورو و نقش محوری هند و کشورهای جنوب شرق آسیا در زنجیره‌های تامین—سیستم پولی همچنان به طور عمده تک‌قطبی باقی مانده است. این عدم تطابق ساختاری، پیامدهای گسترده‌ای دارد و کشورهای سراسر جهان را در معرض چرخه‌های پولی ایالات متحده، کمبودهای دوره‌ای دلار و شوک‌های نامتقارن قرار می‌دهد. با این حال، انقلاب دیجیتال نویدبخش

شکستن این بن‌بست است. نوآوری اصلی در اینجا نه خودِ ارزها، بلکه لایه‌های تسویه زیربنایی است که به بازیگران دولتی و خصوصی اجازه می‌دهد زیرساخت‌های جایگزینی بسازند که قادر به دور زدن واسطه‌های سنتی باشد. این گزارش به تحلیل این روندها و پیامدهای آن برای نظم مالی آینده، با نگاهی به جایگاه کشورهای هم‌چون ایران، می‌پردازد.

### شکاف ساختاری: اقتصاد چندقطبی و پول تک‌قطبی

علی‌رغم تغییرات شگرف در نقشه تجارت جهانی، دلار همچنان حدود نیمی از وام‌های فرامرزی، ۶۰ درصد از ذخایر ارزی جهانی و بیش از ۵۰ درصد از صورت‌حساب‌های تجاری را به خود اختصاص داده است. حتی اکثر استیبل‌کوین‌های موجود در بازار نیز به دلار وابسته هستند. این وضعیت باعث شده است که حتی قدرت‌های نوظهور تولیدی در جهان، همچنان در برابر نوسانات نرخ بهره فدرال رزرو آسیب‌پذیر باشند. شکاف‌های مالی جهانی که در بحران ۲۰۰۸، پاندمی ۲۰۲۰ و افزایش نرخ بهره در سال ۲۰۲۲ رخ داد، نشان‌دهنده این است که آسیب‌پذیری‌های سیستم کنونی اپیزودیک نیستند، بلکه سیستمی و ساختاری‌اند.

کشورهای در حال توسعه و اقتصادهای نوظهور اکنون به دنبال راه‌هایی برای کاهش این وابستگی هستند. مفهوم «حاکمیت دیجیتال» ریشه در نگرانی‌های امنیتی و غیرقابل اعتماد بودن شرکای سنتی دارد. این کشورها در حال ایجاد ترتیبات تهاثر و تسویه جدیدی هستند که خارج از کانال‌های سنتی دلار فعالیت می‌کنند. این حرکت نه تنها یک ضرورت اقتصادی برای مقابله با شوک‌های خارجی، بلکه یک کنش ژئوپلیتیک برای حفظ استقلال ملی در عصر دیجیتال است.

### زیرساخت‌های دیجیتال: لایه‌های نوین تسویه و توکنیزه‌سازی

آنچه عصر کنونی را از دهه‌های گذشته متمایز می‌کند، ظهور دارایی‌های توکنیزه شده و پرداخت‌های قابل برنامه‌ریزی است. این «ریل‌های پولی» جدید اگر به درستی طراحی شوند، می‌توانند پایه‌ای برای یک سیستم باز و پایدار باشند که اصطکاک‌های مالی را کاهش داده و زیرساخت‌های فرسوده جهانی را مدرن‌سازی کند. با این حال، یک احتمال نگران‌کننده نیز وجود دارد: اینکه معماری جدید منجر به یک

سیستم دوقطبی با بلوک‌های ژئوپلیتیک رقیب شود که استانداردهای ناسازگاری دارند.

پروژه‌های ارز دیجیتال بانک مرکزی، مانند آنچه در چین در حال آزمایش است، بیش از آنکه درباره خود پول باشند، درباره شکل‌دهی به حکمرانی مالی و ایجاد استانداردهای جدید هستند. استیبل‌کوین‌های بخش خصوصی نیز دولت‌ها را مجبور کرده‌اند تا در نحوه اعمال نفوذ خود بازنگری کنند. اگر ایالات متحده بخواهد موقعیت مرکزی خود را حفظ کند، باید به جای تمرکز صرف بر دارایی‌ها، بر ارتقای زیرساخت‌های پرداخت داخلی و فرامرزی برای دستیابی به قابلیت همکاری تمرکز کند تا از «بالکانیزه شدن» دیجیتال جلوگیری نماید.

## ژئوپلیتیک پول دیجیتال و چالش حاکمیت

رقابت بر سر استانداردهای پول دیجیتال به یکی از ابزارهای اصلی دیپلماسی تجاری و هنر حکمرانی اقتصادی تبدیل شده است. برای اروپا و چین، ریل‌های پرداخت دیجیتال مدرن راهی برای دستیابی به استقلال متمول‌تر بدون تحمل هزینه‌های تکه‌تکه شدن بازار فراهم می‌کند. در مقابل، برای ایالات متحده، پیشتازی در این عرصه به معنای تقویت تاب‌آوری زنجیره تامین، جلوگیری از اتکا به اکوسیستم‌های دیجیتال رقیب و حفظ جذابیت دارایی‌های دلاری به عنوان وثیقه در دنیای قابل برنامه‌ریزی است.

در این میان، نهادهای مالی سنتی و بانک‌های تجاری نیز با چالش «تخریب خلاق» روبرو هستند. فناوری‌های جدید فرصت‌هایی برای بازنگری در سیستم‌های پرداخت و اعتباری فراهم می‌کنند که نه تنها کارآمدتر، بلکه ایمن‌تر هستند. مقاومت بانک‌ها در برابر تغییر مدل‌های کسب‌وکار قدیمی که ریشه در توافقات سیاسی قرن‌های گذشته دارد، می‌تواند مانعی در برابر این پیشرفت باشد. اما واقعیت این است که قدرت پولی در حال بازتعریف شدن است و این بازتعریف، مرزهای سنتی بین پول خصوصی و دولتی را جابجا می‌کند.

## ایران در گذار به سیستم مالی نوین: فرصت‌ها و تهدیدها

در متن تحولات ذکر شده، جایگاه کشورهایی مانند ایران که تحت فشار چرخه‌های پولی دلار و محدودیت‌های سیستم‌های تسویه سنتی (مانند سوئیفت) قرار دارند، بسیار حائز اهمیت است. گرایش

جهانی به سمت ایجاد ریل‌های پرداخت خارج از کانال‌های سنتی دلار، مستقیماً با نیازهای راهبردی ایران همسوست. ایران به عنوان کشوری که به دنبال تنوع‌بخشی به شرکای تجاری و کاهش اثرات تحریم‌های مالی است، می‌تواند از حرکت به سمت سیستم‌های پولی چندقطبی بهره‌برداري کند.

ظهور سیستم‌های تسویه دیجیتال و ارزهای دیجیتال بانک مرکزی در بلوک‌های اقتصادی نوظهور (مانند بریکس)، بستری را فراهم می‌کند که در آن حاکمیت پولی کمتر با ابزارهای مالی سنتی ایالات متحده تهدید می‌شود. با این حال، خطر «بالکانیزه شدن» دیجیتال برای ایران به معنای ضرورت انتخاب دقیق استانداردهاست. اگر جهان به سمت سیستم‌های دوقطبی با استانداردهای ناسازگار حرکت کند، انتخاب زیرساختی که ایران بر روی آن فعالیت می‌کند، نه تنها یک تصمیم فنی، بلکه یک تصمیم سرنوشت‌ساز ژئوپلیتیک خواهد بود که دسترسی کشور به نقدینگی جهانی را در دهه‌های آینده تعریف خواهد کرد.

### به سوی یک نظم مالی باز و متقابل

آینده سلطه دلار بیش از آنکه به قدرت نظامی یا بزرگی اقتصاد آمریکا بستگی داشته باشد، به توانایی این کشور در رهبری ایجاد یک نظم پولی باز، متقابل و مبتنی بر استاندارد برای قرن بیست و یکم وابسته است. یک سیستم مدرن که نقدینگی، ثبات و حاکمیت را به طور همزمان تامین کند، به نفع همگان خواهد بود. برای اقتصادهای نوظهور، این مسیر به معنای کاهش قرار گرفتن در معرض شوک‌های خارجی است و برای کل جهان، به معنای عبور از زیرساخت‌های فرسوده‌ای است که دیگر پاسخگوی نیازهای تجارت دیجیتال نیستند.

در نهایت، نبرد اصلی در بازارهای جهانی فردا، نه بر سر خودِ اسکناس‌ها، بلکه بر سر کدهایی است که حرکت پول را تعریف می‌کنند. دنیای آینده، دنیای پول‌های برنامه‌ریزی شده است؛ جایی که شفافیت، اعتماد و قابلیت همکاری، ارکان اصلی قدرت پولی را تشکیل خواهند داد.

سیستم مالی جهانی کنونی مانند یک شبکه راه‌آهن قدیمی است که تمام مسیرهای آن به یک ایستگاه مرکزی (دلار) ختم می‌شود. حتی اگر مسافران (کشورها) بخواهند به مقاصد مختلفی بروند، مجبورند از این ایستگاه عبور کنند. انقلاب دیجیتال در حال ساختن «هایپرلوپ‌هایی» است که به مسافران اجازه



می‌دهد مستقیماً و بدون نیاز به عبور از ایستگاه مرکزی به مقصد برسند. قدرت آینده در دست کسی نیست که بزرگترین ایستگاه را دارد، بلکه در دست کسی است که پروتکل‌ها و ریل‌های این شبکه جدید و سریع را طراحی و مدیریت می‌کند.

## گزارش: چرخش خاورمیانه به آسیا؛ از تغییر مسیر تجارت تا بازتعریف قدرت

گزارش «چرخش خاورمیانه به آسیا ۲۰۲۵» تصویری منسجم از یکی از مهم‌ترین دگرگونی‌های ژئواکونومیک دهه اخیر ارائه می‌دهد: انتقال تدریجی مرکز ثقل روابط اقتصادی و سیاسی کشورهای عربی خلیج فارس از غرب به شرق، به‌ویژه به سمت چین، هند و جنوب شرق آسیا. این چرخش نه یک واکنش مقطعی به تحولات ژئوپلیتیکی، بلکه نتیجه هم‌زمان سه روند ساختاری است: تغییر جغرافیای تقاضای انرژی، تحول الگوی رشد جهانی و تلاش آگاهانه دولت‌های خلیج فارس برای ارتقای جایگاه خود از «صادرکننده منابع» به «قدرت‌های میانی جهانی».

در قلب این تحول، افزایش بی‌سابقه حجم تجارت میان خلیج فارس و آسیا قرار دارد. بر اساس گزارش، تجارت خلیج فارس با آسیای در حال ظهور در سال ۲۰۲۴ به رقم تاریخی ۵۱۶ میلیارد دلار رسید؛ رقمی که نسبت به سال قبل ۱۴.۴ درصد رشد نشان می‌دهد، آن هم در شرایطی که قیمت جهانی نفت نسبت به سال پیش کاهش یافته بود. همین نکته به‌تنهایی نشان می‌دهد که روابط اقتصادی خلیج فارس و آسیا دیگر صرفاً تابع نوسانات بازار انرژی نیست و پیوندهای غیرنفتی به تدریج نقش پررنگ‌تری پیدا کرده‌اند.

این رشد تجارت تنها یک عدد نیست؛ بلکه نشانه تغییر جهت استراتژیک اقتصادهای خلیج فارس است. طبق برآوردهای گزارش، اگر روندهای کنونی ادامه یابد، حجم تجارت خلیج فارس با آسیا تا سال ۲۰۳۰ به حدود ۸۰۲ میلیارد دلار خواهد رسید و در سال ۲۰۲۸، آسیا رسماً جای اقتصادهای پیشرفته غربی را به‌عنوان بزرگ‌ترین شریک تجاری خلیج فارس خواهد گرفت. این پیش‌بینی‌ها بر مبنای داده‌های دهه گذشته و رشد سریع تجارت غیرنفتی تنظیم شده‌اند و از منظر سیاست‌گذاری، پیام روشنی دارند: آینده تعاملات اقتصادی خلیج فارس بیش از هر زمان دیگری در شرق رقم می‌خورد.

### عبور از غرب؛ معنای اقتصادی و سیاسی پیشی گرفتن چین

یکی از نقاط عطف گزارش، ثبت لحظه‌ای تاریخی در سال ۲۰۲۴ است: برای نخستین بار، حجم تجارت خلیج فارس با چین (۲۵۷ میلیارد دلار) از تجارت آن با مجموع آمریکا، بریتانیا و اتحادیه اروپا

پیشی گرفت. هرچند این اختلاف در حال حاضر اندک است، اما تحلیلگران گزارش با تکیه بر عوامل ساختاری، معتقدند که این شکاف در سال‌های آینده به‌طور معناداری افزایش خواهد یافت و تا سال ۲۰۲۸ به حدود ۷۵ میلیارد دلار می‌رسد.

اهمیت این تحول صرفاً اقتصادی نیست. چین در حال تبدیل شدن به شریکی است که نه تنها بزرگ‌ترین خریدار انرژی خلیج فارس است، بلکه در حوزه‌های زیرساخت، فناوری، لجستیک، انرژی‌های تجدیدپذیر و حتی خدمات مالی نقش فزاینده‌ای ایفا می‌کند. برخلاف غرب که وابستگی‌اش به انرژی خلیج فارس به‌واسطه انقلاب شیل و گذار انرژی کاهش یافته، چین و دیگر اقتصادهای آسیایی همچنان به‌طور ساختاری به نفت و گاز منطقه وابسته‌اند. همین وابستگی، پیوندی بلندمدت و استراتژیک ایجاد می‌کند که فراتر از قراردادهای کوتاه‌مدت تجاری است.

با این حال، گزارش تأکید می‌کند که این چرخش به معنای «قطع رابطه» با غرب نیست. کشورهای خلیج فارس به‌خوبی آگاه‌اند که امنیت، فناوری‌های پیشرفته، سرمایه‌گذاری‌های مالی عمیق و همکاری‌های نظامی همچنان تا حد زیادی از غرب تأمین می‌شود. از همین رو، راهبرد مسلط آن‌ها نه جایگزینی شرق به‌جای غرب، بلکه متعادل‌سازی فعال میان دو قطب قدرت جهانی است؛ راهبردی که به آن‌ها اجازه می‌دهد از رقابت آمریکا و چین، حداکثر منفعت اقتصادی و سیاسی را استخراج کنند.

### خلیج فارس به‌عنوان «قدرت میانی»؛ تعریف جدیدی از نقش منطقه

یکی از مفاهیم کلیدی گزارش، توصیف خلیج فارس به‌عنوان «قدرت میانی جهانی» است. قدرت‌های میانی نه به‌دنبال هژمونی‌اند و نه در جایگاه بازیگران حاشیه‌ای قرار دارند. آن‌ها از طریق ثروت اقتصادی، دیپلماسی فعال، شبکه‌سازی نهادی و انعطاف ژئوپلیتیکی، می‌توانند بر قواعد بازی جهانی اثر بگذارند، بدون آن‌که خود را به یک بلوک خاص محدود کنند.

کشورهای خلیج فارس دقیقاً در حال حرکت در همین مسیرند. اصلاحات اقتصادی گسترده، برنامه‌های چشم‌انداز ملی (مانند چشم‌انداز ۲۰۳۰ عربستان یا «ما امارات ۲۰۳۱»)، آزادسازی نسبی اقتصاد، جذب سرمایه خارجی و توسعه صندوق‌های ثروت حاکمیتی، همگی ابزارهایی برای افزایش قدرت چانه‌زنی



این کشورها در سطح بین‌المللی هستند. پیوند فزاینده با آسیا، این توان را تقویت می‌کند و به خلیج فارس امکان می‌دهد در جهانی چندقطبی، نقش «واسطه»، «گره اتصال» و حتی «قانون‌گذار نرم» را ایفا کند.

در این چارچوب، مشارکت فعال کشورهای خلیج فارس در نهادهایی مانند بریکس، سازمان همکاری شانگهای، صندوق سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا و هم‌زمان حفظ روابط نزدیک با صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و نهادهای غربی، بخشی از یک راهبرد هوشمندانه چندلایه است. گزارش نشان می‌دهد که این چندجانبه‌گرایی، نه تنها ریسک ژئوپلیتیکی را کاهش می‌دهد، بلکه جذابیت خلیج فارس را برای سرمایه‌گذاران بین‌المللی افزایش داده است؛ سرمایه‌گذارانی که به دنبال محیط‌هایی با ثبات در جهانی پرتنش هستند.

### فناوری؛ میدان رقابت جدید آمریکا و چین در خلیج فارس

اگر انرژی ستون فقرات سنتی روابط خلیج فارس و آسیا بوده، فناوری به سرعت در حال تبدیل شدن به میدان اصلی رقابت ژئواکونومیک در منطقه است. گزارش به تفصیل نشان می‌دهد که چگونه در سال‌های اخیر، شرکت‌های چینی در حوزه‌هایی مانند زیرساخت دیجیتال، شبکه‌های مخابراتی و رایانش ابری نفوذ قابل توجهی در خلیج فارس پیدا کرده بودند. اما تحولات سال ۲۰۲۵، به ویژه سفر دونالد ترامپ به کشورهای خلیج فارس، ورق را تا حدی برگرداند.

ایالات متحده با امضای چندین قرارداد بزرگ در حوزه هوش مصنوعی، نیمه‌رساناها و خدمات ابری، تلاش کرده است ابتکار عمل را پس بگیرد و حضور فناورانه خود را در منطقه تقویت کند. برای کشورهای خلیج فارس، این رقابت یک تهدید نیست، بلکه فرصتی است برای ارتقای سریع ظرفیت‌های دیجیتال و فناورانه، بدون وابستگی انحصاری به یک طرف. آن‌ها می‌کوشند با تقسیم پروژه‌ها، تنظیم استانداردها و مدیریت داده‌ها، هم از فناوری چین بهره ببرند و هم از تضمین‌های امنیتی و تکنولوژیک آمریکا.

## سرمایه، انرژی و پیوندهای فراتر از نفت

یکی دیگر از ابعاد مهم چرخش به آسیا، جریان سرمایه است. صندوق‌های ثروت حاکمیتی خلیج فارس در سال ۲۰۲۵ حدود ۵۶ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری جهانی انجام داده‌اند که ۴۰ درصد آن به آسیا اختصاص یافته است. این تغییر جهت سرمایه‌گذاری نشان‌دهنده درک عمیق حاکمان خلیج فارس از انتقال موتور رشد جهانی به شرق است. هم‌زمان، مؤسسات مالی آسیایی نیز با گسترش حضور خود در دبی، ابوظبی و ریاض، در حال تعمیق پیوندهای مالی دو منطقه هستند.

در حوزه انرژی نیز اگرچه نفت و گاز همچنان محور اصلی روابط باقی می‌مانند، اما شکل این رابطه در حال تغییر است. کشورهای خلیج فارس به‌جای اتکا به صادرات خام، به‌طور فزاینده‌ای در صنایع پایین‌دستی، پالایش، پتروشیمی و حتی انرژی‌های تجدیدپذیر در آسیا سرمایه‌گذاری می‌کنند. این رویکرد نه تنها بازارهای مصرف آینده را برای آن‌ها تضمین می‌کند، بلکه آن‌ها را به بازیگرانی فعال در گذار انرژی جهانی تبدیل می‌سازد.

## تبعات این تحولات برای ایران؛ فرصت‌ها، تهدیدها و انتخاب‌های راهبردی

تحلیل این گزارش بدون بررسی پیامدهای آن برای ایران ناقص خواهد بود. چرخش خلیج فارس به آسیا، در سطح اول می‌تواند به‌عنوان یک فرصت بالقوه برای ایران دیده شود، چرا که ایران نیز از نظر جغرافیایی، منابع انرژی و پیوندهای تاریخی، بخشی از همان فضای ژئواکونومیک است. اما در سطحی عمیق‌تر، این تحول حامل هشدارهای جدی برای اقتصاد و امنیت ملی ایران است.

از منظر اقتصادی، تقویت پیوندهای خلیج فارس با چین، هند و ASEAN به معنای افزایش رقابت ایران با همسایگان جنوبی خود در بازارهای آسیایی است. کشورهایی مانند عربستان و امارات، با دسترسی آزاد به سرمایه، فناوری و شبکه‌های مالی بین‌المللی، در حال تثبیت جایگاه خود به‌عنوان تأمین‌کنندگان قابل‌اعتماد انرژی و شرکای تجاری چندبُعدی هستند. در مقابل، ایران به‌دلیل تحریم‌ها، محدودیت‌های بانکی و ریسک‌های سیاسی، عملاً از بسیاری از این زنجیره‌های ارزش کنار گذاشته شده است. نتیجه این روند، حاشیه‌نشینی تدریجی ایران در بازاری است که از نظر تاریخی، یکی از مهم‌ترین مقاصد صادراتی آن بوده است.

از منظر ژئوپلیتیکی، ارتقای جایگاه خلیج فارس به‌عنوان «قدرت میانی» می‌تواند توازن قوا در منطقه را به زیان ایران تغییر دهد. کشورهایی که قادرند هم‌زمان با واشنگتن و پکن کار کنند، نفوذ دیپلماتیک بیشتری به دست می‌آورند و در مدیریت بحران‌های منطقه‌ای دست بالاتری خواهند داشت. اگر ایران نتواند خود را به‌عنوان بازیگری سازنده و قابل‌پیش‌بینی در این نظم چندقطبی معرفی کند، خطر آن وجود دارد که در معادلات امنیتی منطقه، بیش از پیش به حاشیه رانده شود.

با این حال، این روند لزوماً سرنوشت محتوم ایران نیست. گزارش به‌طور ضمنی نشان می‌دهد که آسیا به‌دنبال تنوع‌بخشی به شرکای خود است و حتی کشورهای خلیج فارس نیز نمی‌خواهند به یک منبع یا مسیر خاص وابسته بمانند. در چنین فضایی، ایران در صورت کاهش تنش‌های بین‌المللی، اصلاح ساختارهای اقتصادی و بازتعریف دیپلماسی انرژی و ترانزیت، می‌تواند بخشی از این زنجیره‌های در حال شکل‌گیری را به خود متصل کند. موقعیت ژئوگرافیک ایران، ظرفیت‌های ترانزیتی و بازار داخلی بزرگ، مزیت‌هایی هستند که هنوز به‌طور کامل از دست نرفته‌اند. برای ایران، این تحول هم‌زمان یک زنگ خطر و یک فرصت بالقوه است: زنگ خطری درباره عقب‌ماندن از قطار تحولات ژئواکونومیک، و فرصتی برای بازاندیشی در سیاست خارجی و اقتصادی، پیش از آن‌که فاصله‌ها جبران‌ناپذیر شود.

## کوتاه از جهان

### اتحادیه اروپا در پی مالیات بر کربن مرزی

اتحادیه اروپا علی‌رغم مخالفت‌های گسترده شرکای تجاری و هشدارهای صنایع اروپایی درباره افزایش هزینه‌ها و پیچیدگی‌های بوروکراتیک، مالیات مرزی کربن (CBAM) را از اول ژانویه ۲۰۲۶ به طور رسمی اجرا کرد. این سازوکار، که شش بخش کلیدی شامل فولاد، سیمان، آلومینیوم، سیمان، کود، هیدروژن و برق را هدف قرار داده، با هدف پیشگیری از «نشت کربن» طراحی شده است. این امر یعنی جلوگیری از کاهش رقابت‌پذیری شرکت‌های اروپایی که ملزم به پرداخت هزینه انتشار گازهای گلخانه‌ای در چارچوب سیستم تجارت انتشار اتحادیه اروپا (EU ETS) هستند، در برابر رقبا خارجی ارزان‌تر و آلاینده‌تر.

کمیسیون اروپا اخیراً جزئیات هزینه‌های مورد انتظار برای واردکنندگان را منتشر کرد. این مالیات مستقیماً به سیستم تجارت انتشار اتحادیه اروپا پیوند خورده و با حذف تدریجی سهمیه‌های رایگان انتشار تا پیش از سال ۲۰۳۴، به تدریج تشدید خواهد شد. تخمین‌ها حاکی از درآمد سالانه بیش از ۱۰ میلیارد یورو است که تا سال ۲۰۳۵ به ۳۷ میلیارد یورو می‌رسد؛ اکثر این درآمدها به بودجه اتحادیه اروپا اختصاص می‌یابد، هرچند اندرو ویلسون، معاون دبیرکل اتاق بازرگانی بین‌المللی، آن را «کاملاً مخرب» توصیف کرده و بر چالش‌های محاسباتی برای شرکت‌ها تأکید ورزیده است.

علی‌رغم انتقادهای شدید از سوی چین، هند، برزیل و سایر صادرکنندگان عمده (مالیات مرزی کربن را اقدامی حمایتی تحت پوشش زیست‌محیطی می‌دانند) این سیاست تعهد اتحادیه اروپا به اهداف اقلیمی را برجسته می‌سازد، حتی در حالی که برنامه‌های خودروهای برقی را به تعویق انداخته است. مارکوس فردیناند، مدیر ارشد تحلیلی شرکت ویت، مالیات مرزی کربن را ابزاری موثر برای انتقال مفهوم قیمت‌گذاری کربن به کشورهای ثالث توصیف کرده و تأکید نموده که علی‌رغم عدم محبوبیت آن در میان صادرکنندگان، به تسریع طرح‌های مشابه در برزیل، مکزیک، ژاپن، کلمبیا و ترکیه منجر شده است.

1- The Carbon Border Adjustment Mechanism

2- Emissions Trading System

کمیسیون اروپا در دسامبر ۲۰۲۵ تغییراتی در طرح اولیه اعمال کرد (از جمله افزودن محصولات پایین‌دستی مانند درب خودرو و رادیاتورهای صنعتی) تا از «دست‌وپاگیر بودن» مرحله آزمایشی آن بکاهد. عدم ثبت‌نام واردکنندگان جریمه‌هایی تا پنج برابر هزینه‌های سیستم تجارت انتشار را در پی دارد. در انگلیس، اجرای مالیات مرزی کربن از ژانویه ۲۰۲۷ با سیستم ساده‌تر درآمدزایی برنامه‌ریزی شده، هرچند صنایع انگلیسی نسبت به دامپینگ فولاد و هزینه‌های بوروکراتیک هشدار داده‌اند. این سیاست نه تنها رقابت‌پذیری اروپا را حفظ می‌کند، بلکه موج جهانی قیمت‌گذاری کربن را تقویت نموده و تجارت بین‌المللی را به سمت پایداری سوق می‌دهد.

## تجارت آزاد هند با عمان

هند در راستای راهبرد کلان خود برای مقابله با آثار تعرفه‌های گمرکی سنگین ایالات متحده آمریکا و تنوع‌بخشی به بازارهای صادراتی در شرایط تشدید عدم قطعیت‌های تجارت جهانی، توافق‌نامه جامع همکاری اقتصادی با عمان امضا کرد. این توافق‌نامه، دومین قرارداد تجارت آزاد هند در شش ماه گذشته به شمار می‌رود که نخستین آن در ماه مه با بریتانیا منعقد شده است.

توافق‌نامه هند-عمان در مستقط و با حضور نارندرا مودی، نخست‌وزیر هند، و سلطان هیثم بن طارق، رهبر عمان، امضا شد. هدف اصلی این پیمان، تقویت تجارت دوجانبه از طریق افزایش صادرات کالاهای منسوجات، چرم، دارو و محصولات کشاورزی هند است. بر اساس بیانیه وزارت تجارت هند، این توافق دسترسی بدون تعرفه به ۹۸.۰۸ درصد از کالاهای عمان را برای کالاهای هندی فراهم می‌آورد، در حالی که هند آزادسازی تعرفه ۷۷.۷۹ درصدی کالاهای خود را پیشنهاد داده که ۹۵ درصد واردات از عمان را پوشش می‌دهد.

هند در ماه‌های اخیر، مذاکرات چندین توافق‌نامه تجارت آزاد را شتاب بخشیده و با اتحادیه اروپا، نیوزیلند، شیلی و سایر کشورها در مراحل پیشرفت مذاکرات قرار دارد. این پیمان‌ها، به عنوان ستون فقرات راهبرد اقتصادی هند، بر ادغام عمیق‌تر در زنجیره‌های تامین جهانی، تقویت صادرات و ایجاد اشتغال پایدار تمرکز دارند و با کاهش تعرفه‌ها و ایجاد قواعد تجاری پیش‌بینی‌پذیر، رقابت‌پذیری بنگاه‌های هندی را تضمین می‌کنند.

صادرکنندگان هندی با تعرفه‌های ۵۰ درصدی ایالات متحده از ماه اوت مواجه‌اند که بخش‌هایی چون منسوجات، قطعات خودرو و فلزات را تحت فشار قرار داده است. هرچند مذاکرات دوجانبه هند-آمریکا متوقف شده، نشانه‌هایی از بهبود روابط مشاهده می‌شود، از جمله استقبال مودی از طرح صلح ترامپ برای اوکراین و دیدارهای اخیر مقامات طرفین. مذاکره‌کنندگان هندی همزمان با فشار برای حفاظت از کشاورزان و صنایع داخلی، با شرکای تجاری مانند نیوزیلند و اتحادیه اروپا در حال پیشبرد گفتگوها هستند.

## تجارت آزاد هند با نیوزیلند

نیوزیلند و هند اعلام کردند که مذاکرات خود را بر سر یک توافق‌نامه تجارت آزاد به پایان رسانده‌اند؛ توافقی که به دو برابر شدن حجم تجارت دوجانبه در پنج سال آتی کمک خواهد کرد.

این توافق‌نامه تعرفه‌های گمرکی بر ۹۵ درصد از صادرات نیوزیلند به هند را حذف یا کاهش می‌دهد و بیش از نیمی از محصولات از روز نخست اجرایی شدن توافق، از تعرفه معاف خواهند بود، در حالی که تمام کالاهای هندی از دسترسی بدون تعرفه به بازار نیوزیلند برخوردار خواهند شد. نیوزیلند همچنین متعهد شده است که در طول ۱۵ سال آینده، ۲۰ میلیارد دلار در این کشور سرمایه‌گذاری کند.

کریستوفر لوکسون، نخست‌وزیر نیوزیلند، در بیانیه‌ای رسمی اظهار داشت: «دستاوردها گسترده و قابل توجه هستند.» وی افزود: «هند به عنوان پرجمعیت‌ترین کشور جهان و سریع‌ترین اقتصاد در حال رشد میان قدرت‌های بزرگ، فرصت‌های بی‌نظیری را برای اشتغال‌زایی، صادرات و رشد اقتصادی نیوزیلندی‌ها فراهم می‌آورد.»

این توافق‌نامه به وعده انتخاباتی حزب ملی حاکم نیوزیلند در سال ۲۰۲۲ جامه عمل می‌پوشاند که بر اساس آن، نهایی‌سازی توافق تجارت آزاد با هند در دوره نخست حکومت محقق می‌گردد. تجارت دوجانبه بین دو کشور در سال ۲۰۲۴ عمدتاً شامل داروهای هندی و محصولات جنگلی و کشاورزی نیوزیلند می‌شود.

نارندرا مودی، نخست‌وزیر هند، در پستی در شبکه‌های اجتماعی تأکید کرد: «این نقطه عطف تاریخی،



که تنها در عرض نه ماه به سرانجام رسید، نشان‌دهنده اراده سیاسی قاطع و جاه‌طلبی مشترک برای تعمیق روابط اقتصادی میان دو کشور است.»

دولت هند اعلام نمود که این توافق تجارت آزاد، دسترسی به بازارهایی نظیر لبنیات، قهوه، شیر، خامه، پنیر، ماست، آب پنیر، کازئین، پیاز، شکر، ادویه‌جات، روغن‌های خوراکی و لاستیک را به منظور حفاظت از کشاورزان و صنایع داخلی مستثنی کرده است.

هند پس از اعمال تعرفه ۵۰ درصدی توسط واشنگتن بر کالاهای هندی وارد شده به بازار ایالات متحده، مذاکرات خود را با شرکای تجاری برای تنوع‌بخشی به صادرات تسریع بخشیده است. این توافق تجاری با نیوزیلند، سومین دستاورد از این دست در سال جاری میلادی به شمار می‌رود که پس از توافق مشارکت اقتصادی با عمان و توافق با بریتانیا، به دست آمده است.

## نرخ بالای کرایه نفتکش‌ها در سال ۲۰۲۶

منابع کشتیرانی گزارش می‌دهند که با توجه به افزایش میانگین سن ناوگان جهانی کشتی‌ها و رشد تعداد کشتی‌های تحت تاثیر تحریم‌های غربی، هزینه‌های حمل نفت خام احتمالاً در نیمه نخست سال ۲۰۲۶ همچنان در سطوح بالایی باقی خواهد ماند، هرچند در نیمه دوم سال، نرخ‌ها ممکن است مهار شوند. در هفته‌های اخیر، هزینه حمل نفت برای نفتکش‌های بسیار بزرگ (VLCC) به دلیل تقاضای بالای اوپک و متحدانش، به حدود ۱۳۰ هزار دلار در روز افزایش یافته است. علاوه بر این، داده‌ها و منابع صنعتی حاکی از کاهش عرضه کشتی‌های در دسترس است، زیرا تعدادی از کشتی‌ها به دلیل حمل نفت از ایران، روسیه و ونزوئلا تحت تحریم قرار گرفته‌اند.

تحریم‌های بین‌المللی علیه روسیه و تغییر مسیر کشتی‌ها از دریای سرخ، مسیرهای کشتیرانی را مختل کرده و کشتی‌ها را ملزم به انجام سفرهای طولانی‌تر برای رساندن نفت خام به پالایشگاه‌ها نموده است. بر اساس برآوردها نرخ استفاده از ناوگان نفتکش‌های بسیار بزرگ در سال ۲۰۲۶، از ۸۹.۵ درصد در سال ۲۰۲۵ به ۹۲ درصد (بالاترین نرخ از سال ۲۰۱۹) افزایش خواهد یافت؛ این نرخ، معیاری برای

سنجش میزان اجاره ناوگان در برابر بلااستفاده ماندن آن است.

بررسی‌های دقیق شرکت‌های بزرگ نفتی در سال‌های اخیر بیانگر آن است که تانکرهای قدیمی‌تر (به‌ویژه نفتکش‌های بسیار بزرگ که قادر به حمل تا ۲ میلیون بشکه در هر سفر هستند) پس از ۱۵ سال، کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرند، زیرا کارایی آن‌ها کاهش می‌یابد و با مشکلات ایمنی بیشتری مواجه می‌شوند. لارس بارستاد، مدیر اجرایی گروه تانکر فرانت‌لاین، ماه گذشته اعلام کرد که تقریباً ۴۴ درصد از ناوگان جهانی نفتکش‌های بسیار بزرگ بیش از ۱۵ سال قدمت دارند و نزدیک به ۱۸ درصد از ابرتانکرها در این بخش با تحریم‌ها مواجه شده‌اند.

ارزیابی‌های بازار نشان می‌دهد که تحویل تانکرهای جدید به شرکت‌های کشتیرانی در اواخر سال ۲۰۲۶ افزایش خواهد یافت و این امر احتمالاً نرخ‌ها را محدود خواهد کرد. ریچارد متیوز، رئیس تحقیقات شرکت کارگزاری کشتی گیپسون، خاطرنشان کرد که تحویل‌های برنامه‌ریزی‌شده نفتکش‌ها در سال آینده به بالاترین سطح خود از سال ۲۰۰۹ می‌رسد. وی افزود: «اگرچه این موضوع بیشتر به سمت نفتکش‌های فرآورده‌های نفتی (تصفیه‌شده) نسبت به نفتکش‌های نفت خام است، اما عرضه کلی کشتی‌ها در سال آینده به تدریج بهبود خواهد یافت، زیرا کشتی‌های بیشتری از کارخانه‌های کشتی‌سازی تحویل داده می‌شوند».

## رشد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی خالص عربستان سعودی

طبق داده‌های منتشر شده توسط اداره کل آمار عربستان سعودی، این کشور در سه‌ماهه سوم سال ۲۰۲۵ موج تازه‌ای از سرمایه‌گذاری خارجی را جذب کرده است و جریان خالص سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نسبت به دوره مشابه سال قبل ۳۴.۵ درصد افزایش یافته است؛ رشدی که به احتمال زیاد از سوی این کشور به عنوان گامی در جهت تحقق چشم‌انداز ۲۰۳۰ و تلاش برای تنوع‌بخشی اقتصاد فراتر از نفت تلقی و برجسته خواهد شد. جریان خالص سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در این دوره به ۲۴.۹ میلیارد ریال سعودی (حدود ۶.۶۴ میلیارد دلار) رسیده است که نسبت به رقم ۱۸.۵ میلیارد ریال در سه‌ماهه مشابه سال ۲۰۲۴ افزایش نشان می‌دهد. این رشد در حالی رخ داده است که افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نسبتاً محدود بوده و جریان ناخالص ورودی تنها ۴.۴ درصد نسبت به سال قبل رشد

کرده و به ۲۷.۷ میلیارد ریال رسیده است.

در مقابل، نوسان قابل توجه از سمت دیگر تراز سرمایه ثبت شده است؛ به گونه‌ای که سرمایه‌گذاری‌های خارجی عربستان سعودی در خارج به شدت کاهش یافته و با افت ۶۵.۷ درصدی به سطح ۲.۷ میلیارد ریال رسیده است. کاهش محسوس خروج سرمایه موجب شده است که رقم خالص سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به طور چشمگیری افزایش یابد؛ امری که یادآور این واقعیت است که شاخص «خالص» به همان اندازه که می‌تواند نشانه جذابیت یک اقتصاد برای سرمایه‌های خارجی باشد، ممکن است بازتاب‌دهنده محدودیت یا انقباض در سرمایه‌گذاری‌های برون‌مرزی نیز باشد.

اداره آمار همچنین آمارهای مربوط به تجارت خدمات در همین دوره سه‌ماهه را منتشر کرده است. بر اساس این داده‌ها، صادرات خدمات عربستان سعودی به ۵۸.۲ میلیارد ریال رسیده، در حالی که واردات خدمات با ثبت رقم ۱۲۰.۸ میلیارد ریال، شکاف معناداری میان صادرات و واردات خدمات را نشان می‌دهد. داده‌ها حاکی از آن است که بخش «سفر» محرک اصلی صادرات خدمات بوده، در حالی که بخش «حمل‌ونقل» مهم‌ترین عامل در سمت واردات خدمات به شمار می‌رود.

### قرارداد تامین گاز طبیعی مایع ترکیه با وودساید

شرکت وودساید<sup>۱</sup> انرژی قراردادی ۹ ساله با شرکت بوتاش (واردکننده دولتی گاز ترکیه) منعقد کرده است که منطبق با تجارتی پشت سرمایه‌گذاری چندمیلیارد دلاری این شرکت در ایالات متحده آمریکا را برجسته می‌سازد.

بر اساس مفاد این قرارداد، وودساید از سال ۲۰۳۰ به بعد، عمدتاً از تاسیسات در حال ساخت خود در ایالت لوئیزیانا، گاز طبیعی مایع (LNG) را به بوتاش عرضه خواهد کرد. این قرارداد جایگاهی راهبردی در بازار ترکیه برای وودساید ایجاد می‌کند و همزمان به توجیه مقیاس سرمایه‌گذاری عظیم در بزرگ‌ترین پروژه توسعه‌ای این شرکت یاری می‌رساند.

این قرارداد الزام‌آور خرید و فروش، توافق اولیه غیرالزام‌آور منعقد در ماه سپتامبر را به تعهدات قطعی

تبدیل می‌کند و عرضه سالانه حدود ۰.۵ میلیون تن گاز طبیعی مایع یا معادل تقریباً ۵۸ میلیارد متر مکعب گاز را در طول دوره ۹ ساله قرارداد پوشش می‌دهد.

هرچند حجم این قرارداد در مقیاس سبد جهانی وودساید متوسط ارزیابی می‌شود، اما از منظر راهبردی از اهمیت قابل توجهی برخوردار است؛ زیرا به این تولیدکننده مستقر در شهر پرت<sup>۱</sup> استرالیا، نخستین مشتری بلندمدت گاز طبیعی مایع در ترکیه را اعطا می‌کند و نقش گاز طبیعی مایع ایالات متحده را در تامین تقاضای انرژی در نزدیکی اروپا تقویت می‌نماید. این پروژه، بخش محوری راهبرد رشد وودساید را تشکیل می‌دهد و شرکت را در موقعیتی قرار داده است که از تقاضای جهانی رو به رشد گاز طبیعی مایع بهره جوید و همزمان دارایی‌های سنتی خود در استرالیا را تنوع بخشد.

مارک ابوتسفورد، معاون اجرایی و مدیر ارشد بازرگانی وودساید، اظهار داشت که این توافق‌نامه قدرت و انعطاف‌پذیری سبد سرمایه‌گذاری شرکت را به نمایش می‌گذارد. وی افزود: «قرارداد تامین با بوتاش، به عنوان نخستین قرارداد تامین بلندمدت گاز طبیعی مایع با بازار ترکیه، نقطه عطفی راهبردی برای وودساید به شمار می‌رود. این امر نشان‌دهنده قدرت و انعطاف‌پذیری سبد سرمایه‌گذاری متنوع وودساید و توانایی آن در تحقق جاه‌طلبی‌های جهانی است.»

این قرارداد برای ترکیه از منظر امنیت انرژی حائز اهمیت است، زیرا آنکارا در تلاش برای مدیریت بازارهای ناپایدار گاز و کاهش مواجهه با نوسانات قیمت‌های لحظه‌ای است. آنکارا در سال‌های اخیر به طور فعال واردات گاز خود را متنوع ساخته و خرید گاز طبیعی مایع را افزایش است. دسترسی به گاز طبیعی مایع آمریکایی با پشتوانه قرارداد بلندمدت، این راهبرد را تقویت می‌کند و روابط انرژی نزدیک‌تری با واشنگتن را فراهم می‌آورد. این قرارداد همچنین بر اهمیت فزاینده گاز طبیعی مایع ایالات متحده آمریکا در جریان تجارت جهانی تاکید دارد.

## تازه‌های نشر مدیریت دیپلماسی اقتصادی و آینده پژوهی

پایش تحولات تجارت  
جهانی شماره ۱۲۱



آینده پژوه؛ شماره ۲: نظم  
تکنو-ژئواکونومیک و  
آینده تحریم‌های ایران



پایش تحولات تجارت  
جهانی شماره ۱۲۰



مزایا و چالش‌های  
تجارت آزاد با اوراسیا



راهنما جامع و ابزارهای  
کاربردی برای مشارکت  
بخش خصوصی در توسعه  
مهارت‌ها



راهنما بهره‌برداری از  
ظرفیت‌های موافقت‌نامه  
تجارت آزاد میان ایران و  
اتحادیه اقتصادی اوراسیا





تهران، خیابان طالقانی،

نبش خیابان شهید موسوی (فرصت)، پلاک ۱۷۵

تلفن: ۰۲۱ ۸۵۷۳۰۰۰۰۰

ICCIMA.IR



مرکز پژوهش‌های اتاق ایران

